



انترناسیونال ۴۷۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



منصور حکمت www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۴ مهر ۱۳۹۱، ۵ اکتبر ۲۰۱۲ - صفحه ۱۶

اولین جرقه های یک انفجار!

مصاحبه شهلا دانشفر با حمید تقوائی در برنامه زنده کانال جدید،

چهارشنبه سوم اکتبر

گزارشاتشان تظاهرات امروز را به مساله گرانی ارز و نرخ تبدیل ارز مربوط میکنند اما بطور واقعی مساله بسیار وسیعتر و فراتر از این هست. از مدتها قبل از تحریمها و سقوط آزاد ارزش ریال مساله گرانی و بیکاری و بی تامینی اقتصادی، سطح بسیار نازل

که ناظر اوضاع سیاسی هستند اعلام کرده بودیم که يك حالت كاملا استثنائی در ایران برقرار هست و جامعه در آستانه انفجار است. علت اصلی این وضعیت فقر و فلاکت و گرانی و تورمی است که واقعا امان از مردم بریده است. اینجا این نکته را باید تاکید کنم که خیلی از خبرگزاریها و منابع در

شهلا دانشفر: همانطور که مطلع هستید امروزهزاران نفر از مردم تهران علیه فقر و گرانی بخیبانها ریختند. تبیین شما زا این وضعیت چیست؟

حمید تقوائی: این وضعیت كاملا قابل پیش بینی بود. مدتهاست حزب ما و بسیاری از صاحب نظران و حتی رسانه های

ادامه صفحه ۱۳

تظاهرات تهران و بوسه های خانم کینتون!



مصطفی صابر

جرقه ای برای يك انفجار بزرگ علیه وضع غیر قابل تحمل فعلی است.

اما راه حل اوضاع ایران، همچنانکه بارها بحث کرده ایم، قبل از هر چیز يك تحول سیاسی و در قدم اول کنار زدن جمهوری اسلامی است. در این مسیر دیر یا زود مردم و خیابان و مشخصا طبقه کارگر که بار اصلی همه مصائب را بردوش دارد از شکافی استفاده کرده و به دخالتگری مستقیم در اوضاع سیاسی ایران خواهد پرداخت. آنهم مردم و طبقه کارگری که تجربه سیاسی غنی دارند و در آخرین نمونه با انقلاب ۸۸ (سال ۲۰۰۹) خود عملا پیشگام تحولات عظیم و تاریخی ۲۰۱۱ در کل منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و جهان شدند ... تظاهرات های ۱۲ مهر فقط نشانه ای از ناگزیری تحولاتی زیور و کننده در ایران است که نه فقط باید تکلیف بحران و بن بست جمهوری اسلامی را یکسره کند بلکه میتواند تاثیراتی براتب عمیق تر در منطقه و در جهان داشته باشد.

دقیقا بهمین دلیل است که تظاهرات های تهران فقط موجب

تظاهرات چهارشنبه ۱۲ مهر در تهران که علیرغم فضای سرکوب و خفقان شدید چندین هزار نفر در آن شرکت کردند، در مناطق مختلفی گسترش یافت و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و فقر و فلاکت در آن طرح شد، تنها نوک کوه یخ است. (برای اطلاعات بیشتر در مورد تظاهرات ۱۲ مهر و چند و چون آن به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری و اخبار مندرج در سایت روزنه رجوع کنید.) برای مقصود این یادداشت همینقدر باید تاکید کرد که اقتصاد جمهوری اسلامی كاملا ورشکسته است. مساله فقط این نیست که در طول مدت کوتاهی ارزش ریال به زیر يك چهارم کاهش یافته بلکه مساله این است که ادامه حیات جامعه ۸۰ میلیونی ایران بصورت فعلی بهیچ وجه ممکن نیست. تظاهرات های ۱۲ مهر فقط

ادامه صفحه ۸

مردم تهران علیه فقر و جمهوری اسلامی پیاخاستند

صفحه ۱۳



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انفجار اعتراضات مردم و استیصال مراجع تقلید



شہلا دانشمند

جعفر سبحانی از مراجع تقلید جمهوری اسلامی در قم در دیداری با اعضای دبیرخانه تشکلهای اسلامی سیاسی دانشگاه آزاد در این شهر در مورد حضور زنان در دانشگاهها و ادارت اظهار نظر کرده و گفت: "یکی از ریشههای بیکاری امروز این است که دخترها جای پسرها را در دانشگاهها و پستهای دولتی گرفتارند، خانهها بی زن و جوانها بیکار هستند." و بعد بعنوان راه حلی برای حل معضل بیکاری و تورم در جامعه اظهار میدارد: "مشکل بیکاری و تورم در جامعه با کاهش سهمیه حضور دختران در دانشگاهها و محیطهای کاری تا حدی حل می شود." آخر سر هم چنین نتیجه میگیرد که: "به طور مثال باید در دانشگاهها ۲۵ درصد سهمیه به زنان و ۷۵ درصد به مردان اختصاص داده شود چرا که مردان ناآور هستند."

۲۲ تیر ماه امسال نیز سایت "تربیون مستضعفین" با انتقاد از گسترش آگهی استخدام منشی زن در مطبوعات اشاره ای به گفته خامنه ای کرده است که میگوید شغل منشیگری "تکبر" زنان را از بین می برد در حالی که "برای زن ها در مقابل مرد بیگانه، جزو چیزهایی مملوح است که متکبر باشند."

هشتم اردیبهشت امسال هم هاشم حسینی بوشهری، عضو هیات رئیسه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفته بود: "نباید فضای جامعه به گونه ای باشد که مردان در خانه مشغول نگه داری بچه و خانه داری

باشند و زنان در ادارات مختلف پرسه بزنند." برخی دیگر از همین قماش حجت الاسلام ها و خطبای نماز جمعه هایشان از قبیل جنتی و غیره بارها و بارها در گفتارهایشان زنان و دختران را عامل برخی "ناهنجاریهای اجتماعی" معرفی کرده و به طرز خنده آوری حتی بلایایی طبیعی چون زلزله و سیل و غیره را نیز خشم خدا در قبال "بدحجابی" زنان اعلام کردند. آخر سر هم در همین تابستان دیدیم که از فرصت تعطیلات دانشگاه و نبود دانشجویان استفاده کردند و دختران را از تحصیل در ۳۶ رشته دانشگاهی محروم نمودند.

حرفهای این آیات عظام واقعا بوی گند و تعفن میدهد. تنها مغز بیمار این فسیل های پوسیده اسلامی است که چنین خزعبلاتی از آن تراوش میشود. واقعیت اینست که همیشه استدلالات دولت های فاشیست در برابر بیکاری و بحران اقتصادی جامعه از همین دست بوده است. رژیم اسلامی همیشه با چنین استدلالاتی تلاش کرده است که تحت عنوان اینکه کارگر افغان، کارگر عراقی و یا "اتباع بیگانه" جای اشتغال کارگر ایرانی را گرفته است، اعتراض جامعه را از نشانه گرفتن به کل نظام به طرف این بخش های محروم جامعه منحرف سازد. آپارتاید جنسی نیز شکل دیگری از همین سیاست فاشیستی رژیم است که در قبال زنان انجام میگیرد. جعفر سبحانی با این سخنانش پرچم پاکسازی قومی و آپارتاید جنسی را با هم بلند کرده است.

سی و سه سال است که جمهوری اسلامی کارش همین است. تبعیض جنسیتی، جدا سازی جنسیتی در محیط های کار، در پارکها، اتوبوسها، دانشگاهها، مدارس و همه اماکن عمومی و اجتماعی به همراه حجاب اجباری تلاش های هر روزه این رژیم در قبال مردم برای محکم کردن پایه های حاکمیت

اسلامی بوده است. از همین رو مبارزه علیه قوانین ارتجاعی اسلامی، مبارزه علیه حجاب و تبعیض جنسیتی همواره يك عرصه دایمی نبرد زنان، جوانان و کل مردم علیه رژیم اسلامی بوده است. اما امروز رژیم اسلامی و مراجع تقلیدش در اوج استیصالشان است که دارند با چنین وقاحتی در مورد طرحهای جداسازی هایشان در دانشگاهها و در قبال زنان سخن میگویند. صحبت های سبحانی و امثالهم را هم باید در متن شرایط سیاسی امروز جامعه دید. سبحانی از بیکاری جوانان سخن میگوید چون میدانند که هزاران کارگری که از کار بیکار شده اند و جمعیت میلیونی کارگران بیکار يك بمب انفجاری برای انهدام کل این نظام اند. می بینند که کارگران دارند به جلو می آیند. در برابر چنین موجی است که سران این حکومت و مراجع تقلیدشان چنین به هذیان گویی افتاده اند و بطور واقعی برای عقب زدن فضای اعتراضی جامعه و تداوم تهاجماتشان به زندگی و معیشت کل جامعه چنین دست به دامان قوانین ارتجاعی اسلامیشان شده اند.

اساس قوانین این جانیان بیحرمتی به زن، بیحرمتی به انسان و به بشریت است. از نظر اینها زن يك کالای جنسی و عامل و بانی فساد در جامعه است و بنابراین باید در بند حجاب و از چشم نامحرم دور باشد. باید در خانه بماند و در قبال نفقه ای که میگیرد وظایف همسراری اش را به جا آورد و کار خانگی اش را نیز به نحو احسن به پیش برد. اینها همه قوانین الهیانشان است و طبعاً عدول از این قوانین خشم خدا و بلایای طبیعی را سبب خواهد شد. چنانکه گفتند مسبب زلزله آذربایجان شرقی نیز همین زنان "بدحجاب" بوده اند. به زعم این مرتجعین كيك زده مرد هم این وسط نه فکری دارد و نه تعقلی و در نتیجه اگر زن مورد تجاوز قرار

میگیرد، اگر خشونت علیه زن صورت میگیرد، علتش "بدحجابی" و از دست رفتن کنترل و تمرکز مردان است. اینها همه چرندیاتی است که سی و سال است که اینها دارند بر اساس حکومت میکنند و حکم میرانند. اینها همه احکامی است که در مورد آنها بارها و بارها در نماز جمعه ها و در رساله هایشان در موردش بحث و خطابه داشته و نوشته اند. پاکسازی زنان در عرصه اجتماع، در دانشگاه و در محیط کار نیز در ادامه همین رشته از اقدامات و احکامشان قرار دارد. در تقابل با این جنایتکاران مرتجع مردمی را می بینیم که همواره ایستاده و زیر بار قوانین اسلامی رژیم نرفته اند و این خود يك عرصه مهم جدال آنان با رژیم اسلامی بوده است. نکته مهم اینست که این جدال هر روزه را امروز باید در متن شرایط انفجاری جامعه دید تا بیشتر روشن شود که چرا مراجع تقلید رژیم چنین به تکاپو افتاده اند. باید این شرایط را دید تا متوجه شد که چرا رژیم برای پیاده کردن طرحهای اسلامی اش چرا چنین به تقلا افتاده است و از بسیج نیروی انتظامی تا طلبه های قم و آیات عظامش را بسیج کرده است و از جمله بحث بر سر اجرایی کردن طرحهای تبعیض جنسیتی در دانشگاهها و کل جامعه بالا گرفته است.

خودشان دارند از شورش گرسنگان سخن میگویند و در همین چهارشنبه اعتراضات هزاران نفره مردم در تهران علیه فقر و گرانی و با شعار علیه رژیم اسلامی، شروع نوید بخشی از اعتراضات مردم به جان آمده از فقر و فلاکت بود. قبل از آن نیز تظاهرات اخیر هزاران نفر از مردم شهر نیشابور با شعار ننگ بر گرانی را داشتیم که مردم با شعارهایشان و با اعتراضشان کل این حکومت را به چالش کشیدند. در عین حال ما در همین مدت طومار اعتراضی هزاران کارگر علیه فقر و گرانی و با خواست

افزایش دستمزدها را داشته ایم که در ابعدی اجتماعی و گسترده ادامه دارد. همچنین تجمعات اعتراضی هر روزه کارگران بخاطر دستمزدهای پرداخت نشده و علیه بیکارسازیها در این شهر و آن شهر در کارخانجات مختلف و در مقابل مراکز قدرت حکومت را نیز برقرار است و شهرهای مختلف چون اصفهان، خوزستان و غیره به کانونهای داغ اعتراض علیه فقر و حاکمیت این رژیم تبدیل شده است.

طبیعی است که در چنین شرایطی مراجع تقلید حکومت نظیر سبحانی و غیره چنین به هذیان گویی بیفتند. بویژه اینکه این رژیم تا همین جا در عرصه حجاب و به تسلیم کشیدن جوانان در گردن گذاشتن به قوانین ارتجاعی اسلامی اش شکست بزرگی خورده است. حرف هر روزه شان اینست که از حجاب و اسلامشان چیزی به جا نمانده است. فضای خیابانها و دانشگاهها و جوانان دارد این را به روشنی نشان میدهد. از همین رو مساله امروز برای اینها نه خود نفس حجاب و یا جداسازی زن و مرد، بلکه اساسی تر از آن حفظ نظام و به نمایش گذاشتن کنترلشان بر اوضاع است. چون برای حکومت اسلامی جاری نگاهداشتن قوانین اسلامی و حجاب و جداسازیهای جنسیتی معنی بود و نبودش را دارد و هویتی است.

سخنان سبحانی و دیگر مراجع دینی حکومت اسلامی و اساساً شدت دادن رژیم به اجرای طرحهای اسلامی اش را در پرتو چنین شرایطی باید دید. به عبارت روشنتر اینها همه آخرین تقلاهای این رژیم برای حفظ خود است. اما پس از گذشت ۳۴ سال رژیم نتوانسته است قوانین اسلامی را به مردم حقنه کند. این مبارزه با این قوانین اسلامی هر روز شدت بیشتری می یابد و می رود تا رژیم اسلامی را باید با کلیه قوانین ارتجاعییش به زباله دان تاریخ بیندازد.*

معنای پشت کردن حماس به جمهوری اسلامی



کازم نیکخواه

تاکید خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس بر اینکه "اردوغان نه فقط رهبر ترکیه بلکه رهبر جهان اسلام است" و اینکه "حزب عدالت و توسعه نمونه موفق اسلام مدرن و میانه رو است" فاصله گرفتن قطعی و اساسی حماس از جمهوری اسلامی را مورد تأکید قرار میدهد. روشن تر از این نمی‌شود اعلام کرد که حماس حسابش را از جمهوری اسلامی جدا کرده است. مشعل این سخنان را روز یکشنبه ۳۰ سپتامبر در کنفرانس حزب عدالت و توسعه در آنکارا بیان کرد. کنگره ای که در آن اردوغان به جمهوری اسلامی و روسیه و چین به دلیل حمایتشان از رژیم سوریه حمله کرد و از آنها خواست که دست از حمایت از سوریه بردارند. این نکته هم مهم و قابل توجه است که رهبران حماس اصرار دارند که همه کس این فاصله گیری را بوضوح متوجه شود.

در چند ماه گذشته سازمان حماس بارها فاصله گیری خود از جمهوری اسلامی را بیان کرده بود. حتی یکی از رهبران حماس بنام احمد یوسف در ماه مارس گذشته گفت اگر میان اسرائیل و جمهوری اسلامی جنگی در بگیرد حماس در آن شرکت نخواهد کرد. اما اینجا خالد مشعل با دقت دست روی

ریشه و پایه اتحاد و پیوند تاکتونی حماس با جمهوری اسلامی میگذارد. یعنی هم بر مساله "رهبری جهان اسلام" که رسماً موضوع مورد بحثی در کنگره حزب عدالت و توسعه نبود، تأکید میکند و هم حمایت خود را از "اسلام مدرن و میانه رو" بیان میکند. و به این ترتیب روشن میکند که حماس هم اسلام نوع جمهوری اسلامی را رسماً کنار گذاشته است و هم رهبری خامنه ای بر جهان اسلام را رد میکند. اینها دو محور اساسی اتحاد استراتژیک حماس با جمهوری اسلامی بوده است. رئیس دفتر سیاسی حماس بسادگی این را میگوید که استراتژی حماس عوض شده است و علیرغم کمکهای مالی دست و دل بازانه ای که از حکومت اسلامی میگیرد، دیگر حاضر نیست و به نفع خود نمیداند بعنوان يك بازوی جمهوری اسلامی شناخته شود. (در ادامه به وضعیت "اسلام مدرن و میانه رو" که این روزها خیلی در بورس است اشاره میکنم)

فکر میکنم هرکس که رویدادهای سیاسی را دنبال کرده باشد بداند و بیاد بیاورد که وابستگی حماس به جمهوری اسلامی و سیاست این حکومت، با خیزش سال ۸۸ ترک برداشت، با انقلابات منطقه این ترک به بسیار عمیق شد، و با خیزش و انقلاب در سوریه به شکافی جدی تبدیل گردید. مساله اساسی اینست که حماس دیگر به صلاح خود نمی بیند که با جمهوری اسلامی و کل محور ارتجاع اسلامی که این حکومت نمایندگی میکند تداومی شود. حماس و همه مدافعان و طرفداران جمهوری اسلامی و

اسلام سیاسی با خیزش میلیونی مردم در سال ۸۸ علیه جمهوری اسلامی، و انقلابات منطقه و سراسر حکومت بشار اسد در سوریه و شکستهای تروریسم اسلامی و امثال اینها، بشدت زیر فشار بوده اند و حماس میخواهد خود را از این فشار مهلك که میتواند به بحران و تلاشی آن منجر شود خلاص کند. اینکه چقدر میتواند عملاً خود را از تاریخ خویش جدا و خلاص کند بحث جداگانه ای میطلبد و فعلاً مورد بحث ما نیست. مساله اینست که سیاست حماس بوضوح شکست جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را به هر ناباوری نشان میدهد. نشان میدهد که سرازیری حکومت بشار اسد میتواند بطور جدی سرازیر جمهوری اسلامی و کل اسلام سیاسی نیز باشد.

آنچه ما آنرا "اسلام سیاسی" میخوانیم مدتهاست که به سراسر افول و شکست افتاده است. ما اینرا در دو سه سال گذشته تاکنون در نوشته ها و مصوبات مختلف گفته ایم و نشان داده ایم. منظور از "اسلام سیاسی" همه نیروها و جریاناتی است که میخواهند قوانین و احادیث و سنتهای اسلامی را بعنوان قوانین حاکم بر جامعه به هر درجه ای که بتوانند تحمیل کنند و در کشورهای مختلف حکومت های اسلامی از نوع جمهوری اسلام و طالبان و غیره سر کار بیاورند. در دو سه دهه گذشته جمهوری اسلامی عملاً در راس جنبش اسلام سیاسی در جهان قرار داشته و جریاناتی مثل حماس و حزب الله و تروریستهای اسلامی مشابه آنها، در راستای سیاستهای آن عمل کرده اند. القاعده و طالبان و

گروههای تروریستی مشابه هم رگه دیگری از اسلام سیاسی هستند که در عین حال که با جمهوری اسلامی اختلافات و رقابتهایی دارند، هوای یکدیگر را داشته اند و به یکدیگر به انحاء مختلف ساپورت و قدرت داده اند. گزارشهای متعددی دال بر این بود که سران القاعده تا مدتها در ایران زندگی کرده اند و جمهوری اسلامی آنها را از زیر ضربات نیروهای غربی خارج کرده است. اسلام سیاسی در واقع با به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی بود که در گوشه و کنار جهان سر بلند کرد و طی دو سه دهه گذشته جهان را به تیرگی و عقب گرد تهدید نمود و جنایات عظیمی را خلق کرد که هیچگاه در تاریخ بشر فراموش نخواهد شد.

این جنبش کثیف و ضد انسانی و عهد عتیقی، در چند سال اخیر ضربات سنگینی خورده است. اینکه به همه مردم جهان روشن شده است که جمهوری اسلامی مورد نفرت اکثریت عظیم مردم در ایران است، ضربه کاری ای به اسلام سیاسی در جهان بود. شکستهای پی در پی القاعده و تروریسم اسلامی نیز این افول اسلام سیاسی را تشدید کرد. و اکنون سراسر حکومت بشار اسد که يك متحد استراتژیک جمهوری اسلامی بوده است، ضربه محکم دیگری بر پیکر اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی است. در این شرایط است که برای حماس عملاً غیر ممکن است که در موضع تاکتونی خویش باقی بماند. و گرنه طولی نخواهد کشید که متلاشی خواهد شد. در همین ماههای اخیر در لبنان و منطقه فلسطین کشاکشها و درگیری های خونین و تندی میان مخالفان جمهوری اسلامی و بشار اسد، با

طرفداران آنها در گرفت که نشان میداد که اکثریت مردم علیه جمهوری اسلامی و بشار اسد هستند. در کل هر شکست و عقب نشینی جمهوری اسلامی و اسلام کثیف سیاسی يك پیروزی برای کل بشریت است.

"اسلام مدرن و میانه رو" با شکست اسلام سیاسی، جریانات اسلامی با سرغتهای مختلف به سنگر "اسلام مدرن و میانه رو" روی می آورند. و تصویری که میدهند اینست که گویا "اسلام میانه رو" دارد رشد میکند و پیش میرود و دوره، دوره اسلام میانه رو است. یعنی این طور وانمود میکنند که اتفاق مهمی نیفتاده است فقط خط و سیاستشان را عوض کرده اند، یا کمی عوض کرده اند. ژورنالیستها و تحلیلگران سطحی و نظریه پردازان رنگارنگ بورژوا نیز فعلاً به القای این سناریو کمک میکنند. گویا دوره دیگری شروع شده است که دوره عروج و رشد "اسلام میانه رو و مدرن" است. منظور از اسلام مدرن و میانه رو هم اسلام طرفدار غرب است. قرار است آنچه آنرا "کشورهای اسلامی" مینامند يك دوره طولانی مدت هم در چنگال اسلام میانه رو قرار گیرند. الگوی موفق این چرخش هم ترکیه و حزب عدالت و توسعه است و رهبر آنها بقول خالد مشعل و دیگران رجب طیب اردوغان است. و روی کار آمدن مرسى و اخوان المسلمین در مصر هم بعنوان نمونه دیگری از همین روند تصویر میشوند.

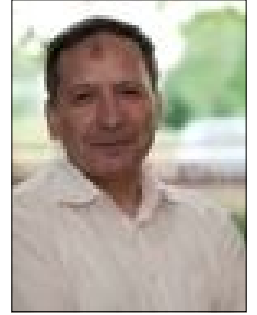
آنچه من اینجا میخواهم فقط اشاره کنم و در آینده سعی میکنم

ادامه صفحه ۱۰

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

بازتاب هفته

وعده سر خرمن به کارگران کارخانه پارلو ساوه



بهروز مهرآبادی

و ... را باید سر موقع پرداخت ولی براحتی می توان از پرداخت حقوق کارگران خودداری کرد. در طول ۳۷ سال گذشته حتی یک روز هم تولید سوده‌های هنگفت توسط کارگران برای ایشان و سایر مدیران و صاحبان کارخانه، قطع نشده است اما آیا پرداخت حقوق امیر اصغری و شاه حسینی و سایر مفتخوران نظیر آنها حتی یک روز به بهانه تحریم ها به تاخیر افتاده است؟

مهدی نوری زمانی نوری دبیر تشکیلات ارتجاعی خانه کارگر واحد ساوه و زرنديه هم برای جلوگیری از بالا گرفتن اعتراضات کارگران در نامه چاپلوسانه به معاونت دبیرکل خانه کارگر، گناه را به گردن تحریم ها انداخت و وعده داد که "با حمایت مالی دولت و برخورداری از تسهیلات مناسب" ظرف دو هفته آینده پرداخت خواهد شد. اما کارگران بهتر از نوری زمانی می دانند رژیمی که امید می به بقای خود ندارد و تنها هدفش غارت و چپاول بیشتر در دوران حیات کوتاه خودش است، قابل اطمینان نیست.*

کارگران کارخانه پارلو ساوه چهار ماه است که حقوق نگرفته اند. امیر اصغری مدیر عامل کارخانه گناه عدم پرداخت دستمزد ها را به گردن کمبود نقدینگی، بحران مالی کارخانه و تحریم ها انداخت. شاه حسینی مدیر اجرائی هم اعلام کرد که این کارخانه هیچگونه بدهی به سازمانهای دولتی ندارد و طی ۳۷ سال گذشته تنها در ۴ ماه اخیر نتوانسته است معوقات حقوق کارگران خود را پرداخت کند. "از نظر شاه حسینی عدم پرداخت دستمزد ۲۱۰ کارگر و گرسنه نگه داشتن آنها و خانواده هایشان مسئله مهمی نیست. پول آب، برق، دارایی، شرکت شهر صنعتی کاوه

۳۸۲ کارگر صنایع مخابرات و میلیاردها تومان حقوق معوقه

نرخ سرسام آور تورم را در نظر بگیریم میزان واقعی طلب کارگران را باید چندین برابر این مبالغ دانست.

از سوی دیگر هزینه بیمه کارگران به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده و این سازمان پرونده ببازشستگی ۸۴ نفر از کارگران را معلق نگاه داشته است. دولت و مسئولین کارخانه هر چند ماه یکبار مبالغ ناچیزی به کارگران پرداخت کرده اند و با دادن وعده های پوچ تلاش کرده اند تا صدای کارگران را خاموش کنند. اما اگر این وعده های توخالی توانسته باشد سفره های خالی کارگران و خانواده های آنها را پر کند، مانع ادامه و گسترش اعتراضات آنها هم خواهد شد.*

سنوات خدمتی ۳۸۲ کارگر هنوز پرداخت نشده است. مثل همه جیره خواران سرمایه او هم تلاش می کند تا دولت و کل نظام را بیگناه اعلام کند و ارگانهای رده پائین رژیم را مقصر جلوه دهد. بر اساس گفته های او کل مطالبات کارگران با محاسبه سنوات خدمتی حدود ۲۸ میلیارد تومان است که با کسر سنوات خدمتی حدود ۶ میلیارد تومان می شود. با یک محاسبه سرانگشتی می توان دریافت که هر کارگر بطور متوسط بیش از ۷۳ میلیون تومان طلبکار است و بدون محاسبه سنوات خدمتی طلب هر کارگر نزدیک به ۱۶ میلیون تومان می شود. طلبهای کارگران از پنج سال قبل به این طرف می باشد و اگر

حقوق های معوقه ۳۸۲ کارگر صنایع مخابرات راه دور شیراز هنوز پرداخت نشده است. اعتراضات کارگران این کارگران نزدیک به ۵ سال است که ادامه داشته است. کارگران بارها در شیراز دست به راهپیمائی و تجمعات اعتراضی زده و حتی به تهران رفته و در مقابل مجلس اسلامی هم تجمع داشته اند. شورای اسلامی کار هم تحت فشار اعتراضات کارگران ناچار به موضعگیری شده است. غلامحسین بانثی رئیس این شورا به خبرگزاری ایلنا گفته است که " با وجود دستور اکید رئیس دولت برای حل مشکلات و پرداخت معوقات حقوقی کارگران، همچنان بخش اعظمی از معوقات حقوقی و

دادستان دادگاه اسلامی تونس زن قربانی تجاوز را به بی عفتی متهم کرد!

شناخته می شوند، یعنی عملاً هویت مستقلی ندارند. دولت اسلامی تونس به سبک جمهوری اسلامی، برای تثبیت پایه های خود حملات خود به زنان را آغاز کرده است. مردم تونس با اعتراضات خود تلاش می کنند جلوی پیشروی نیروهای اسلامی را سد کنند. اعتراضات مردم تونس در روز سه شنبه گذشته گوشه ای از این تلاش ها را نشان داد.*

کرده و انزجار خود را از قوانین ارتجاعی اسلامی که عملاً تجاوز به زنان را مجاز می داند، اعلام نمودند. قانون اساسی جدید تونس توسط ائتلاف احزاب اسلامی حاکم در حال تدوین است. در حالی که در قانون اساسی قبلی زن و مرد با هم برابر شناخته می شدند، در پیش نویس قانون اساسی جدید زنان بعنوان "مکمل" مردان

زنی که مورد تجاوز دو مامور پلیس قرار گرفته بود، توسط دادستان متهم به بی عفتی در ملاء عام شد. این اتفاق در تونس افتاد و از نتایج به قدرت رسیدن دولت اسلامی در این کشور است. سخنگوی وزارت دادگستری تونس ضمن تائید مورد تجاوز قرار گرفتن این زن توسط پلیس، او را به خاطر بی عفتی در ملاء عام مجرم دانست.

بر اساس اظهارات این زن در دادگاه دو مامور پلیس به او و نامزدش حمله کرده، او را به داخل ماشین پلیس انداخته و مورد تجاوز قرار دادند. روز سه شنبه ۱۱ مهر و در جریان بازجویی از این توسط دادستان هزاران نفر از مردم در مقابل دادگاه اجتماع



تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,
127 02 Skärholmen - Sweden

حجاب بیرق و ستون جنبش اسلامی است، لطفا کم فروشی نکنید!



مینا احدی

این روزها مقاله ای را از سیمین کاظمی خواندم در سایت مدرسه فمینیستی با عنوان جنبش زنان و هیاهوی حجاب که تاریخ آن ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۲ بود.

ایشان نوشته اند: "پرداختن به مسأله حجاب به حدی است که گویی در باور موافقان و مخالفان حقوق زنان، تنها مسأله تعیین کننده یا مهمترین مسأله در زندگی زنان ایرانی همین مسأله حجاب است. در واقع به نظر می رسد هم در باور کسانی که حجاب را بر زنان تحمیل می کنند و هم از نظر کسانی که به گمان خود با حجاب اجباری مقابله می کنند، مسأله زن به ظاهر و پوشش و بدن او ختم می شود. در رویکرد اول، حجاب زن، عامل مصونیت و ضامن خوشبختی و تعالی او شمرده می شود و از بام تا شام با تشویق و تحمیل و ارباب و رسانه و منبر و تربیون و شعارنویسی و مد ملی/ اسلامی و لباس فرم دانشگاهها و ادارات و گشت ارشاد و جایزه و پاداش و ارتقاء و دیگر روش های مرئی و نامرئی سعی می شود زنان به پوشیدگی مطلوب تسلیم شوند و در دیدگاه دوم گویی با برگرفتن حجاب تمام موانع تساوی زن و مرد حذف و زنان یکسره به بهشت برابری و مساوات جنسیتی وارد خواهند شد و این طرف و آن طرف ناله و فغان سر می دهند که حجاب و روسری را باید برگرفت و آن شعار معروف «نه روسری، نه توسری» هم به

عنوان منطقی که مولای درزش نمی رود ارائه می شود."

کج فهمی در مورد جایگاه حجاب از همین پاراگراف به عینه آشکار میشود. ایشان در اینجا میگویند که اگر حکومت اسلامی ایران سی و سه سال با پونز و شلاق و شکنجه و توهین و تحقیر سعی در تحمیل حجاب اسلامی به زنان کرده، انگیزه و علت آن اینست که حکومت اسلامی ایران حجاب را عامل مصونیت و ضامن خوشبختی و تعالی زنان میدانند و بهمین دلیل به زور و با حملات موسمی و یا به هر روشی متوسل میشود که زنان را وادار کند حجابشان را رعایت کنند. این حرف و تفسیر اسلامیها از علت حمله و یا تهدید و کشتار زنان به دلیل عدم رعایت حجاب است که کاظمی آنرا تحویل ما میدهد. همانطور که وقتی جمهوری اسلامی اعدام میکند و علت این قتل عمد خونسردانه و وحشیانه را دفاع از امنیت جامعه عنوان میکند و یا کلا نفس وجود خود بعنوان یک حکومت را دفاع از اسلام و گسترش اسلام در دنیا معرفی میکند، امروز دیگر بعد از سی و سه سال حکومت جنایتکار اسلامی هر بچه مدرسه ای هم میداند که این حکومت برای دفاع از قدرت و ثروت و اعمال تسلط بر یک جامعه چند میلیونی است که در یک دست قران و اسلام و در دست دیگر میلیاردها دلار پول و هزاران مفتخور اسلامی و غیر اسلامی را دارد که از یک حکومت دفاع میکنند و از منافع مادی و زمینی البته با استفاده از خدا و پیغمبر و تجاوز اسلامی و اعدام و سنگسار و جنایت مقدس همه باهم دفاع میکنند.

حجاب بر زنان اعمال میشود نه بدلیل اینکه حکومت به زور میخواهد آنها را به راه راست هدایت کند، نه! حجاب اعمال

میشود برای اینکه این حکومت میخواهد بر مردم اعمال قدرت کند، بر زنان اعمال قدرت کند و نشان دهد که در این محوطه و در این شهر و در این مملکت جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و حکومت اسلامی است که حرف آخر را میزند و قوانین و مقررات و نفس کشیدن مردم دست این باند اسلامی است.

برای شناخت جایگاه واقعی حجاب در حکومت اسلامی ایران باید به این حقایق توجه اکید کرد: ما در دهه اخیر با حجاب

و به همت و همکاری مشتکی ملی اسلامی و معمم و مکلائی قدرت طلب و ضد انسان ساخته شد. اینها با وجود اینکه نهایت استفاده را از خرافات و شبکه مساجد و ملا و خیل مفتخوران و لمین های اسلامی کردند، نتوانستند به راحتی مردم را به خانه بفرستند. خمینی برای ساکت کردن مردم و شکست دادن انقلاب، اول حمله به زنان را فراخوان داد. شعار "یا روسری یا توسری" ابدا موضوعی مربوط به پوشش و راهنمایی زنان به بهشت و یا نهی از منکر نبود، این یک فرمان سیاسی و

اسلامی بعنوان یک پدیده نوین روبرو هستیم. این حجاب با چادر و لچک مادرزگان ما متفاوت است. حجاب اسلامی در دوره اخیر، علم و بیرق جنبش اسلامی است. اینها هر جایی که پایشان را میگذارند، در ایران یا افغانستان در فلسطین و یا حتی در غرب و در لندن و برلین، هر جایی که پای باند و دسته اسلامی باز میشود و هر جایی که به قدرت میرسند، اولین فرمان و اولین پلانفرم عملی آنها تحمیل حجاب به زنان است. اینها نه بدلیل "مصونیت از زنان و یا راهنمایی کردن زنان بسوی بهشت در آن دنیا"، بلکه برای ساختن جهنم در این دنیا و برای به قدرت رسیدن و در قدرت ماندن و برای اعمال کنترل بر روی مردم و ایفای نقش در زندگی مردم اساسا بکار میبرند.

تجربه ما در ایران و اکنون در کشورهایی مثل مصر و یا تونس بسیار آگاهگرانه است.

نسل من در ایران بعد از یک انقلاب عظیم علیه دیکتاتوری شاه، با پدیده حکومت اسلامی مواجه شد. پدیده ای که به کمک دول غربی

"واقعیت آن است که اگر زنان ایران را محدود به زنان خوش پوش و خوش منظر شمال شهر تهران ندانیم مشکل بتوان گفت که حجاب مسأله مهم زن ایرانی است یا در میان مسائل زنان در اولویت قرار دارد"

علاقتمندم همین حرفها را کاظمی در جمع پنجاه نفر از زنان ایران از طبقات و اقشار مختلف و همچنین در بین نسل جوان زنان در ایران مطرح کند. ببینند عکس العمل آنها به این تز عجیب و غریب ایشان چیست؟ زن در ایران در تجربه

حجاب بیرق و پرچم جنبش اسلامی و حکومت اسلامی ایران است. حجاب اسلامی و بحث در مورد جایگاه حجاب، نه بحثی در مورد پوشش و نوع لباس و نه بحثی در مورد بهشت و جهنم است، این بحث به سیاست جنبش اسلامی برای به بند کشیدن جوامع، اعمال کنترل در زندگی زنان و مردم، و مهمتر از همه در مورد قدرت گرفتن جنبش اسلامی و در قدرت ماندن آن است.

روزمه دیده و حس کرده است که حجاب وسیله به بند کشیدن او، نمایشی از بی قدرتی مطلق او در مقابل ریش و پشم دارها و بی ادبان و تجاوز کنندگان است. او نه فقط بدلیل اینکه اینرا زشت میدانند و نمیتواند موهایش را به دست باد بسپارد، بلکه بدلیل اینکه این اجباری است و بدنبالش نداشتن حق طلاق و حضانت آمده و بدنبالش کوهی از تحقیر و توهین آمده از حجاب متنفر است. فرق نمیکند بالای شهری و یا پایین شهری جوان و یا پیر. حجاب وسیله به بند کشیدن زن و نمایش آشکار آپارتاید جنسیتی در ایران است.

پس تاکید میکنم مسئله حجاب مهمترین و مهمترین معضل زنان در ایران هست. کسانی که حجاب اسلامی و تقلاهای سی و سه ساله یک حکومت برای تحمیل آن به زنان در ایران را نادیده میگیرند، از جامعه ایران و حکومت اسلامی و جنبش اسلامی و مکانیزم به قدرت رسیدن اینها چیزی

یک فراخوان حمله به انقلاب بود. اول به زنان حمله کردند چرا که به دست تحلیل آنها این بود که جامعه از این بخش "ضعیف" خود دفاع نمیکند و در عین حال الیت روشنفکر و یا بخش اعظم چپ در آن مقطع ضد امپریالیست و از نظر فرهنگی عقب مانده و مذهبی و اسلامی بود. بهمین دلیل بطریق اولی از زنان دفاع نشد.

من به نسلی و به جنبشی تعلق دارم که از اولین روز شکل گرفتن نطفه این حکومت ارتجاعی به آن لقب ارتجاعی داده و علیه آن بودیم. ما در آن روزها به خیابان رفته و علیه حجاب و فرمان خمینی جلا در خیابانها رژه رفتیم و اتفاقا همین حرفهایی را که الان سیمین کاظمی تحویل میدهد آزمون شنیدیم. که حجاب امری مربوط به زنان بورژوا و بالای شهری است و زنان در ایران مشکلات مهمتری دارند.

تاریخ دوبار تکرار میشود، دومین بار البته بصورت کمندی است، نگاه کنید بعد از سی و چند سال خانم کاظمی در مورد حجاب چه میگوید:

ایران تریبونال و اعلام جرم علیه حکومت فاشیست اسلامی

دومین دادگاه ایران تریبونال روزهای ۲۵ تا ۲۷ ماه اکتبر در لاهه برگزار میشود. نفس برگزاری یک تریبونال و شنیدن حرفهای کسانی که عزیزترین افراد خانواده اشان به دست مشتکی مزدور و جانی اسلامی به قتل رسیده اند، یک واقعه مهم و تکان دهنده در دنیا است. لاهه شهری است که آسمش با دادگاهی برای دادخواهی قربانیان دولتهای دیکتاتور عجیب است و اکنون تعدادی از قربانیان حکومت اسلامی میروند تا در این شهر و در جوار دادگاه لاهه، بگویند که این جانیان اسلامی با مردم ایران چه کردند؟ خانواده ای را نمیتوان در ایران سراغ گرفت که زهر این حکومت به تنش نخورده باشد. برخی از خانواده ها حتی پنج و شش و یا تعداد بیشتری از عزیزان اشان به دست این حکومت اعدام شده و به قتل رسیده اند. دوران سیاه دهه شصت از اعدامهای وسیع و بیرحمانه بعد از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ و قبل از آن و سپس قتل عام هزاران زندانی سیاسی در سال ۶۷ و اعدام دهها هزار فعال سیاسی و عقیدتی در طول حاکمیت این جنایتکاران، همه و همه اسناد سیاه جنایت علیه بشریت است که دولتهای غربی و سازمان ملل هیچگاه نخواستند پرونده این جنایات را باز کنند و در مجموع در مورد این همه جنایت و اعدام و درد و رنج خانواده های قربانیان تا امروز روش مدارا و سکوت در پیش گرفته اند.

تشکیل تریبونال و یک مجمع دادخواهی که در آن قربانیان بیابند و حرف بزنند، که در آن جزییات یک قتل عام عمومی و درجه بالای سببیت و وحشیگری اسلامی در مقابل چشم جهانیان قرار گیرد، یک ضرورت سیاسی برای افشا و ثبت جنایت جمهوری اسلامی علیه بشریت است. این مقدمه ای برای

تشکیل دادگاهی است که مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی توسط مردم به دادگاه آورده شوند تا به زبان خودشان ابعاد و جوانب مختلف جنایاتشان را بازگو کنند. امروز باید بگویم خوشبختانه ایران تریبونال توانست اولین دادگاه را در لندن برگزار کند و آنچه از دور و نزدیک همه آنرا دیدند و مورد توجه افکار عمومی بود، اینکه تعدادی از قربانیان مثل سحر و مادر عصمت و خاطره و محسن و لادن و اکرم و زهرا و مرسته و خیلی های دیگر آمدند و در مورد ابعاد غیر قابل توصیف و تکان دهنده جنایات یک حکومت حرف زدند و این حرفها به گوش بخش قابل توجهی از مردم رسید. این یک واقعه مهم بود و باید مورد توجه و دفاع همه کسانی قرار گیرد که علیه این توحش اسلامی در ایران هستند.

متأسفانه بعد از برگزاری موفقیت آمیز دادگاه اول ایران تریبونال، نوشته ها و تقلاها و حملات زهراگین به برگزار کنندگان ایران تریبونال را شاهد بودیم و حتی شنیدیم که تعدادی از چپ های سنتی و "ضد امپریالیست" که شدیداً مخالف برگزاری این دادگاه بودند بعد از سالها که هیچ نشانه ای از فعالیتشان بچشم نمیخورد، تعدادی را جمع کرده و به لاهه برده و از مسئولین محل برگزاری دادگاه دوم خواسته اند که مانع برگزاری این دادگاه شوند. البته در مورد این آکسیون و این افتضاح سیاسی بطور علنی کمتر گفته شد.

استدلال مخالفین در مخالفت با برگزاری تریبونال، ظاهراً در نهایت رسیدن سرنخ به دست "امپریالیستها" و یا گرفتن کمک مالی از نهادهای "ناجور" برای برگزاری این تریبونال بود.

اما مستقل از این نوع مخالفت خوانیها واقعیت آنستکه برگزاری این دادگاه کمکی بود به

اینکه علیه یک حکومت جنایتکار افشاگری شود و گوشه های از جنایات عظیم دم و دستگاه عریض و طویل جنایتکارانه و حتی نقش افرادی که امروز بهر دلیل از این حکومت فاصله گرفته اند و یا بیرون انداخته شده اند، روشن شود. اگر عدالتی برای قربانیان هست در وهله اول حرف زدن و روشن کردن ابعاد این جنایات و نقش افراد و طبعاً سیستم در این جنایت است. اگر این دادگاه را برگزار کنندگان به کمک "شیطان رجیم" هم برپا کرده باشند، مهم نیست، مهم اینست که در یک دادگاه در یک روز روشن با حضور یک تیم وکیل و قاضی سرشناس و تعدادی از قربانیان و خانواده های آنها مثل سحر محمدی، دختری که مادر و پدرش به دست این حکومت به قتل رسیده و کودکی اش را گم کرده است، حرف زد، داد زد، اعتراض کرد و در مورد این جنایت بزرگ در مقابل رسانه ها و افکار عمومی بر صورت جنایتکاران اسلامی تف کرد. این مهمترین دستاورد این دادگاه بود. هزاران نفر بعد از این دادگاه ویدئوی حرفهای سحر و سحرها را دیدند، اشک ریختند و یک گوشه کوچک از جنایات یک حکومت انسان کش را که هنوز هم مورد لطف "امپریالیستها" و سازمان ملل بعنوان "دولت ایران" است، برملا شد.

مخالفین ایران تریبونال به این و آن نامه مینویسند، مطلب مینویسند و علیه این دادگاه "افشاگری" میکنند و کمک فلان نهاد به آن را بعنوان سرنخ "خیانتکاری" برگزار کنندگان به افکار عمومی میفرشند، اینها آگاهانه یا نا آگاهانه عملاً دارند آب به آسیاب جمهوری اسلامی میریزند. این دیگر حساب دو دو تا چهار تا است.

میفرمایند با این تریبونال و

شنیدن حرفهای لادن ها و سحرها و مرسته ها زمینه برای حمله به ایران فراهم میشود. این پوچ ترین استدلال است. در مقابل زمینه سازی جنگ از سوی دول غربی و حکومت اسلامی ایران، اینها میفرمایند در این دادگاه (ایران تریبونال) علیه حکومت اسلامی افشاگری نشود. علیه قتل و اعدام و سنگسار حرفی نزنند نشود و اتفاقاً این همان نسخه "امپریالیستها" در تمام این سالها است که بجای افشا و فشار به جمهوری اسلامی باید با آن مذاکره و دیالوگ کرد. در مقابل این دسته از "اپوزیسیون" من میگویم سکوت کردن و همراهی با سیاست مماشات ومذاکره و دیالوگ با جانیان اسلامی، ایران را بسوی یک فاجعه پیش میبرد و دقیقاً همین سیاست در نهایت میتواند به حمله نظامی و جنگ ختم بشود. در برابر این خط مذاکره- تهدیدات جنگی، مردم باید بیدان بیابند و کیفر خواست انقلاب و انسانی خودشان علیه جمهوری اسلامی را مطرح کنند. تنها اعتراض و دخالتگری مستقیم توده مردم میتواند سیاستهای ارتجاعی دولتهای غربی را خنثی و بی اثر کند. در چنین شرایطی افشاگری و دامن زدن به مبارزه و فراخوان دادن مردم به انقلاب و شورش علیه این دستگاه جنایت "مقدس"، وظیفه هر سازمان و انسان مترقی و آزادیخواه و به طریق اولی چپ است.

اگر تریبونالی تا کنون برگزار نشده است دقیقاً به دلیل همراهی دول غربی با حکومت اسلامی ایران، ادامه روابط سیاسی و اقتصادی با این حکومت و سکوت در مقابل جنایات غیر قابل تصور اینها بوده است. اگر امروز تریبونالی به همت تعدادی از فعالین سیاسی برگزار میشود با هر کم و کاستی که وجود داشته باشد، یک قدم به پیش و یک دستاورد

مبارزات مردم است و باید از آن استقبال کرد و به کمک برگزار کنندگان شتافت.

فراخوان من به همه قربانیان و همه کسانی که میخواهند اسم و عکس و سرگذشت و ایده ها و آرمانهای فرزندان و همسران و پدران و مادران خود را پاس بدارند اینست که در این دادگاه باید شرکت کرد و باید در مورد این عزیزان بهر طریق ممکن حرف زد. با برگزاری کنفرانس و سمینار، با جمع آوری اسناد در مورد جنایات و کشتاری که در ایران و خارج ایران بوسیله جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، با مطرح کردن و افشاگری گسترده تر در مورد ماشین آدم کشی حکومت اسلامی باید کاری کرد که دنیا بداند ما با چه حکومتی، با چه سیستم و با چه جنایتکاران "مقدس" و بیرحمی دست و پنجه نرم کردیم. همه افرادی که در ساختن این سیستم نقش داشته و انسان کشی اسلامی را سازمان داده اند یا تیر خلاص زده اند و یا به هر شکل به این ماشین جنایت کمک کرده اند باید محاکمه شوند. مهم نیست اسم اینها خامنه ای و احمدی نژاد است و موسوی و کروبی و یا گنجی و سازگارا و ... و یا کسانی که امروز ژورنالیست و دیروز پاسدار و سهیم در جنایات بوده اند. و یا بنی صدری که در دورانی رییس جمهور این دستگاه جنایت بود و امروز مغضوب و فراری که تلاش میکند پرونده جنایاتش را پنهان کند. هر کس که در قتل فرزندان و عزیزان ما دست داشته است باید محاکمه شود. برگزاری تریبونالهای این چنینی یک گام به پیش برای همه ما است. این ادای دین ما به کسانی است که در دفاع از آزادی و حرمت انسانی جان باختند و رفتند.

مینا احدی
اول اکتبر ۲۰۱۲

حضور در برنامه تلویزیونی کانال ایتالیا و گفت و شنود با مردم در شهر پادووا ایتالیا بعد از نمایش فیلم سنگسار ثریا. م



گزارش یک سفر به شهر پادووا در ایتالیا

روز اول اکتبر مینا احدی و طاهر جعفرزاده از کمیته ندا دی مهمان تلویزیون کانال ایتالیا بودند. در این برنامه دو ساعته گفتگوی مستقیم در مورد اوضاع سیاسی در ایران و مبارزات مردم علیه حکومت اسلامی، دو سیاستمدار ایتالیایی نیز حضور داشتند. مینا احدی در این برنامه تلویزیونی علیه حکومت اسلامی ایران حرف زد و گفت: این حکومت با جنایت و اعدام سرپا مانده و مردم در ایران روزانه با این حکومت مبارزه میکنند. یک جنبش عظیم ضد مذهبی و ضد اسلامی در ایران هست و مردم میخواهند این حکومت را سرنگون کنند. بسیاری از کسانی که خبر دفاع از سکینه را شنیدند و بسیاری از مردم ایران از دفاع جانانه مردم ایتالیا از سکینه بسیار خوشحال شدند. اما باید یک اقدام مهم در ایتالیا انجام شود و آنهم اینست که سفارت حکومت اسلامی در این

کشور باید بسته شود. مینا احدی گفت من از مردم ایتالیا و همچنین دولت ایتالیا میخواهم که فوراً سفارت جمهوری اسلامی را ببندند و روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی را قطع کنند. این بهترین پیام به مردم ایران است که از مبارزات آنها دفاع میکنید. همچنین در این برنامه گفتگو طاهر جعفرزاده از کمیته ندا دی به نقد اسلام، سیاستهای ضد انسانی حکومت اسلامی و نقد سازمانهای اسلامی در ایتالیا پرداخت. این برنامه تلویزیونی که صدها هزار نفر بیننده دارد یکی از برنامه های مهم کمیته ندا دی و کمیته علیه اعدام بود که با استقبال زیادی مواجه شود. دومین برنامه مینا احدی در جریان سفرش به ایتالیا گفت و شنود با مردم بعد از نمایش فیلم سنگسار ثریا - م در شهر پادووا بود. بعد از ظهر روز اول اکتبر در

محل شهرداری پادووا فیلم سنگسار ثریا - م نشان داده شد و سپس گفتگو با مینا احدی در مورد سنگسار در ایران بود. گرداننده این گفتگو طاهر جعفرزاده از کمیته ندا دی بود که به سوالات حاضرین در مورد ابعاد سنگسارها در ایران، کمپین سکینه محمدی آشتیانی و جایگاه سنگسار در حکومت اسلامی ایران

و غیره پاسخ دادند. این برنامه ها در چهارچوب سفرهای مینا احدی به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام است و قرار است روز سه شنبه ۹ اکتبر مینا احدی در شهر هایدلبرگ آلمان سخنرانی کند و سپس در روز ۱۳ اکتبر در استکهلم و ۱۴ اکتبر در شهر گوتنبرگ سوئد سخنرانی کند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۴ اکتبر ۲۰۱۲

Mina Ahadi

International Committee
against Execution
International Committee
against Stoning
minnaahadi@gmail.com

Tel: 0049 (0) 775692413

http://
nofonemoreexecution.org
http://stopstoningnow.com/
wpress/

پس در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی باید با صدای بلند گفت مبارزه علیه حجاب یک سنگر مهم مبارزه علیه حکومت اسلامی است و پرتاب کردن حجابها به معنای آتش زدن به ستون عمر حکومت اسلامی است. پس زنده باد جنبش علیه حجاب اسلامی زنده باد حجابسوزان! امری که با هر درجه تضعیف حکومت اسلامی در ایران در ابعادی وسیع اتفاق خواهد افتاد. مینا احدی
۴ اکتبر ۲۰۱۲

تصور است. چرا که حجاب بیرق و ستون این حکومت است و بحث در مورد حجاب ابدا ربطی به بهشت و جهنم و راهنمایی کردن زنان برای مصونیت از خود و یا غیره ندارد حجاب در قرن بیست و یک و از سوی جنبش اسلامی یک پدیده کاملا سیاسی و در مرکز تحولات سیاسی جوامع اسلام زده قرار دارد. کسانی که این جایگاه حجاب را ندیده میگیرند مستقیم یا غیر مستقیم به کمک تروریسم اسلامی شتافته و خاک به چشم زنان و مردم می پاشند.

حجاب بیرق و ستون جنبش اسلامی است، لطفا کم فروشی نکنید!

صحرا و کردستان و کارگران رفت. نکته محوری اما اینست که هم رژیم اهمیت درجه اول حجاب را می فهمد و هم زنان و بویژه نسل جوان زنان و مردان در ایران. واقعیت اینست که در ایران یک جنبش عظیم اجتماعی علیه حجاب وجود دارد و هر زن جوانی در ایران چه در بالای شهر و چه در پایین شهر چه در دانشگاه و چه در مدرسه میداند که اگر میخواهد

کمی نفس بکشد باید حجابش را بالاتر بکشد. این بارومتر سیاسی در ایران است. اگر حکومت در یک محله قدرتش را از دست بدهد و یا ساعاتی مثل چهارشنبه سوری پای سرکوبگران و پاسداران و نیروی انتظامی از یک محله کوتاه بشود زنان حجابها را دور می اندازند. این دقیقا بیانگر جایگاه حجاب برای دو طرف دعوا است. حکومت اسلامی بدون حجاب غیر قابل

از صفحه ۵

نمیدانند و یا اینکه خود را به نفهمیدن میزنند. حکومت اسلامی ایران با حمله به زنان و تحمیل حجاب به آنها یک گام بزرگ در تحمیل حکومت اسلامی به جلو برداشت. اول حجاب را تحمیل کرد و سپس قوانین را اسلامی کرد. اول زنان را و اعتراضات علیه حجاب را سرکوب کرد و سپس سراغ ترکمن

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

ترس از قدرت توده مردم

یاشار سهندی

"مردم از دولتی که عیوب خود را توجیه می کند، متنفر می شوند" آیت الله مکارم شیرازی این سخنان را در مورد دولت امام زمانی احمدی نژاد گفته است. البته ایشان اسمی به میان نیاورده اما یک چیز مسلم است که این حرف را در مورد دولت اوباما نژده! احمدی نژاد روز سه شنبه در یک مصاحبه مطبوعاتی تا توانست و جا داشت رقبای حکومتی اش را مسخره کرد و کوبید. و با اعتراف به اینکه تحریمها اثر داشته و دارد و اینکه گویا جمهوری اسلامی در تحریمها قویتر میشود، را به ریشخند گرفت و گفت: لابد سخنان لاریجانی تاثیر دارد! به ریش آقا هم خندید و در نهایت هم یقه آقا را گرفته که ۱۵۰ میلیارد تومان دادیم به سازمان تبلیغات اسلامی که کار فرهنگی کند این پول را چکار کردند! احمد سلامتیان نماینده مجلس اول اسلامی و اکنون کارشناس مورد توجه بی بی سی حرف جالبی زد و گفت این کار احمدی نژاد معنی توپ در زمین حریف انداختن نیست بلکه ایشان میزی که همه سران حکومت دورش نشسته بودند با لگد سرنگون کرد. اما در چرایی اینکار گفت چون ایشان میخواهد درانتخابات آینده از هم اکنون رقبای جناحش را ضعیف کرده باشد!! در این تفسیر ایشان تنها نبود همه کارشناسان بی بی سی (چه کارمند بی بی سی یا مهمان این رسانه) این را تایید کردند و مفسران رسمی صدای آمریکا همچنین نظری داشتند.

آیا براستی اینکه احمدی نژاد در آن مصاحبه لگد پرانی کرد، برای انتخابات آینده بود؟ اگر این حکومت یک حکومت معمول بورژوازی بود، اگر جمهوری اسلامی از فردای خود خبر داشت،

اگر واقعا انتخاباتی وجود داشت و بسیار اگرهای دیگر شاید این حرفها درست میبود. برای کارشناسانی که در هیچ کجای تحلیلشان نقشی از مردم مطرح نیست و گویا این اتفاقات "بازی بزرگان است در دنیای سیاست" که هر کدام باید دست حریف را بخواند و ضمنا از قدرت و بخصوص ثروت برخوردار باشد که بتواند دست را به نفع خود بچرخاند این گونه پرت حرف زدن معمول است. البته نه اینکه نمی فهمند چه می گویند بلکه دقیقا برای اینکه شنونده ایشان همان توده مردم هستند و میدانند اگر مردم در سیاست نقش مستقیم داشته باشند کارها آنگونه که مورد نظر حکام است پیش نخواهد رفت برای همین فضای سیاسی را طور دیگری جلوه میدهند (این به جای خود بحث مفصلی که باید در جای دیگری به آن پرداخت) بهرحال این اتفاقات نه بدلیل انتخاباتی که وجود نداشته و ندارد بلکه عکس العمل کارگزاران حکومتی است که رژیم شان مورد نفرت توده مردم و در صدد سرنگونی آن هستند. انعکاسی است از فشار توده مردم گرسنه.

فردای روز مصاحبه احمدی نژاد مردم تهران در تظاهراتی در منطقه مرکزی شهر تهران به شعارهای رادیکال بر علیه جمهوری اسلامی شعار دادند و این تظاهرات چنان وسیع بود که پلیسی که مدام آموزش دیده است تا فوراً این گونه حرکات را سرکوب کند، منکوب شده بود. و این نشانه دیگری از فشار فزاینده توده مردم است. این را جمهوری اسلامی "فتنه ارزی" نام نهاده و مفسران اپوزیسیون سلطنت طلب به "اعتصاب بازاریان" تقلیلش دادند و گفتند "اگر پلیس نتوانست کاری صورت دهد چون خودشان در

بازار هستند" (نقل به معنی سخنان مفسر تلویزیون پارس) و این گونه تفسیرها نیز، باز هم برای این است که نقش توده مردم را کم رنگ سازند. اما حقیقت این است که مردم از این حکومت متفردند. از مکلا و آخوند این حکومت بیزارند و این نفرت عمیق را به اشکال گوناگون نشان دادند و این را همه کارگزاران جمهوری اسلامی میدانند و بخوبی لمس میکنند، برای همین همدیگر را گاز میگیرند.

مشاور یکی را هنگامی که رئیس اش در سازمان ملل از مدیریت جهان و ظهور مهدی همراه مسیح میگوید دستگیر میکنند و فرزندان استوانه نظام را راهی زندان میکنند. دیگری وزیری را متهم میکند که پول هنگفتی را بالا کشیده و وزیر پرونده معاون اول رئیس جمهور را مطرح میکنند که ایشان میلیاردها تومان را بالا کشیده. روزنامه دولت شهردار تهران دشمن شماره یک دولت میخواند و روزنامه شهردار جهل دولت را دشمن حکومت میدانند. از سر قدر قدرتی یک حکومت دیکتاتور و وحشی نیست از سر بدبختی و بیچارگی است. مصاحبه احمدی نژاد انعکاسی از نفرت مردم از حکومت است. ما مردم اما تنها حکومت در مقابل خود نداریم بلکه کل بورژوازی در مقابل ما هستند باید هوشیار باشیم که مجدداً با کمک مدیا و مفسران دانشگاه دیده حرفه شان مبارزات و اعتراضات ما را به بن بست نکشاند و ملاخور نکند. اگر آیت الله مجبور میشود از نفرت مردم از دولت بگوید این یک فراز مهم در مبارزات ما است که باید قدرت توده مردم را به خود مردم نشان داد که در چنین مواقعی نماینده از ترس مردم، خدا را هم فراموش میکند.*

از صفحه ۱

"دشمنان" شود. این هم البته غیر قابل انتظار نبود. بوسه های خانم کلینتون برای خامنه ای، همچنان که قبلاً در همین نشریه بارها توضیح داده شده است، بوسه مرگ است. جمهوری اسلامی اگر از اسلام سیاسی و سیاست های ضد غربی اش دست بردارد سرعت همین درجه انسجامی که به زور سرنیزه و کهریزک و اسلام برای خود حفظ کرده را از دست خواهد داد و از صفحه روزگار برچیده خواهد شد. همچنانکه با اندکی توجه به رفتارهای جمهوری اسلامی متوجه میشویم در حالیکه مملکت در حال انفجار است و فقر و فلاکت و نارضایتی از هر گوشه در حال فوران است، جناب سید علی امیدش را به اقداماتی نظیر جداسازی جنسیتی، سیاست های فاشیستی اسلامی نظیر افزایش زاد و ولد تا ۲۰۰ میلیون و موشک بهوا کردن و حمایت از اسد و حزب الله و غیره بسته است.

در واقع هم خانم کلینتون و هم "آقا" هردو در وهم بسر میبرند. وهمی که ناشی از منافع و بن بست های ایشان و نامربوط بودن آنها به تاریخ واقعی است. تاریخ واقعی توسط کارگران و مردم، یعنی کسانی که قربانی منافع طبقه سرمایه دار و دولتهایشان (اعم از جمهوری اسلامی و آمریکا) هستند، رقم خواهد خورد. اگر از دیالوگ اخیر تهران و واشینگتن نتیجه ای باید گرفت این است که مردم و کارگران باید به تظاهرات های هرچه وسیعتر و پر دامه تری علیه جمهوری اسلامی دست زنند و با قدرت اتحاد و سازمان یافتگی و انقلاب خود زندگی و سرنوشت خویش را از دست همه اینها نجات دهند.*

نگرانی اوباش اسلامی حاکم بر ایران و تشدید دعواها و چاره جویی برای حفظ خودشان نشد. بلکه همچنین بلافاصله مورد توجه خاص خانم هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا قرار گرفت. ایشان در یک کنفرانس خبری به تهران پیام داد که "اگر دولت ایران با قدرتهای جهانی برای روشن کردن ابهاماتی که در مورد برنامه اتمی اش مطرح است همکاری کند، تحریمها علیه این کشور می تواند به سرعت کاهش یابد." (نقل از اخبار بی بی سی فارسی). بعبارت دیگر وقتی خیابانهای تهران شلوغ شد بلافاصله آمریکا موقعیت را مغتنم شمرد تا به جمهوری اسلامی پیام دهد که برای گریز از مرگ توسط مبارزه و انقلاب مردم بهتر است به تب همکاری با غرب و آمریکا رضایت دهد! این البته غیر قابل انتظار نبود. سیاست غرب و آمریکا همواره در جهت حفظ جمهوری اسلامی و استحاله تدریجی آن بوده است. اما سرعت عمل خانم هیلاری کلینتون در مقابل اولین بروزات اعتراضات خیابانی در تهران نشان داد که آمریکا و بورژوازی جهانی تا چه حد نگران اوضاع در ایران و تعیین سرنوشت جمهوری اسلامی توسط انقلاب و دخالت مستقیم مردم است.

اما از این جالبتر این بود که همزمان با سخنان وزیر خارجه آمریکا، خامنه ای مشغول روضه خوانی برای "نخبگان جوان" بود و آب پاکی بر دست خانم کلینتون ریخت. ایشان با همان زبان و بیان خاص خودش اعلام کرد علی رغم همه "فشارها" و "توطئه ها" محکم سرچایش ایستاده و نمی تواند تسلیم خواسته های

تحولات سوریه، انقلاب ناتمام مردم، جنگ و روندهای آتی!



محمد شکوئی

جنگ مخالفان و مردم سوریه بر علیه رژیم اسد وارد سومین ماه خود شد. در هفته اخیر درگیریهای گسترده در حلب و دمشق ادامه داشته است. عصر روز سه شنبه نیروهای ترکیه در واکنش به بمباران یک شهر و چند روستای مرزی این کشور توسط نیروهای رژیم اسد، به چند روستای سوریه که به ادعای ترکیه مقرر نظامی نیروهای رژیم اسد بوده و از آنجا به ترکیه حمله شده است، حمله کرده و آنها را زیر آتش توپخانه گرفتند. دولت ترکیه در خبری فوری به نیروهای ارتش این کشور آماده باش کامل داده و اقدام به توپ باران مناطقی در خاک سوریه کرده است. در واکنش به این اقدام فرماندهی ناتو جلسه فوری تشکیل داد تا به این موضوع رسیدگی نماید. راموسون فرمانده ناتو اعلام کرد که باید با "صبر و پایداری" در برابر اتفاقی که رخ داده است، تصمیم گرفته شود. در همین حال اردوغان خواستار واکنش ناتو به این واقعه شده است.

حزب حاکم ترکیه موضوع واکنش به حملات رژیم اسد را به پارلمان برد. عصر روز پنجشنبه پارلمان ترکیه نشست فوری تشکیل داد و به دولت در مورد استفاده از نیروی نظامی برای پاسخ به رژیم اسد چراغ سبز داد. سخنگوی ناتو نیز بعد از ظهر روز پنجشنبه اعلام کرد که کشورهای عضو ناتو در حال بررسی چگونگی

"دفاع از ترکیه" به عنوان عضو ناتو می باشند. واکنش های منطقه ای و جهانی در مورد این اقدام ترکیه ادامه دارد. خطر گسترش جنگ از سوریه به کل منطقه و اثرات و تبعات آن دوباره مورد بحث کارشناسان و تحلیل گران و دولتها شده است. رژیم اسد رسماً از ترکیه معذرت خواهی کرده ولی دولت ترکیه به تهدیدات علیه رژیم اسد ادامه می دهد. برخی کشورهای اروپایی، فرانسه و ایتالیا به همراه ترکیه خواهان محکومیت اقدام رژیم اسد در شورای امنیت شده اند. جمهوری اسلامی از زبان احمدی نژاد اعلام کرد که باید مواظب بود که "بحران سوریه" گسترش نیابد. او در گفتگو با تلویزیون الجزیره تأکید کرد که ایران قصد تعیین تکلیف برای رژیم اسد را ندارد. بحث مداخله نظامی غرب در سوریه بار دیگر داغ شده است. از نظر کارشناسان موافق حمله نظامی به سوریه، برای پایان دادن به وضعیت پیش آمده در سوریه، باید گزینه حمله نظامی بطور جدی در دستور غرب قرار بگیرد. روسیه نیز اعلام کرده است که باید جلوی گسترش "بحران سوریه" به منطقه گرفته شود.

اما در خود سوریه چه خبر است؟ جنگ به کجا رسیده؟ مخالفان چه وضعیتی دارند؟ وضعیت رژیم از چه قرار است؟ افق و چشم انداز جنگ مخالفان و مردم برای سرنگونی اسد به کجا رسیده است؟

در پاسخ به این سوالات باید چند ماهی عقب برگشت و تحولات چند ماه اخیر را مرور کرد تا در پرتو آن روندها و احتمالات آتی سوریه و جنگ برای سرنگونی رژیم اسد را، دقیق تر مورد بررسی قرار داد.

از حدود سه ماه پیش و به دنبال بیش از ۱۵ ماه تظاهراتهای

میلیونی، اعتصابات سراسری و عمومی مردم بر علیه رژیم، موضوع رویارویی نظامی با رژیم وارد شدن انقلاب ناتمام مردم به فاز مسلحانه در دستور مخالفان و مردم قرار گرفت. با ادامه فشار اعتراضات مردم و ترس از خطر سرنگونی رژیم توسط انقلاب مردم، از اواخر ماه جولای رژیم اسد سیاست محاصره و بمباران های گسترده شهرها را در دستور خود گذاشت. به دنبال آن نیروهای مخالف رژیم و در راس آنها "ارتش آزاد سوریه" که مورد حمایت ترکیه و غرب می باشد، رسماً با صدور بیانیه ای اعلام کرد که جنگ مسلحانه برای سرنگونی رژیم اسد را آغاز می کند. همزمان با این تصمیم درگیریهای گسترده نظامی در بیش از ۳۵ شهر این کشور آغاز گردید. از اواخر ماه اوت ورق به نفع مخالفان مسلح و بخشا مردم برگشت. مخالفان موفق شدند ۱۵ شهر را در دست گرفته و مقادیر زیادی سلاح و تانک بدست آوردند که باعث تقویت آنها و آغاز دور دیگر حملات نظامی برای آزاد سازی شهرها، بویژه دمشق و حلب به کار گرفته شد. رژیم اسد در واکنش به حملات مخالفان بمبارانهای هوایی و گلوله باران شهرها را رسماً آغاز کرد. همزمان با گسترش فرار سربازان و نظامیان ارتش و پیوستن آنها به مخالفان، نیروهای مسلح مخالف رژیم به بیش از ۸۰ هزار نفر افزایش یافت. پا پهای آن دولتهای عربی و ترکیه با چراغ سبز آمریکا و غرب، موضوع حمایت نظامی و تسلیحاتی از مخالفان را در دستور خود گذاشتند. رژیم اسد در واکنش به این حمایتهای غرب و کشورهای منطقه از مخالفان، با حمایت جمهوری اسلامی و روسیه وارد جنگی تمام عیار برای سرکوب مخالفان گردید. از حدود دومه ماه پیش جنگ تقریباً در همه شهرهای بزرگ سوریه ادامه دارد. رژیم اسد کنترل بر کشور را از دست داده

است. سه استان کردنشین در دست مردم می باشند. استانهای حماه، درعا، حمص، لاذقیه، دیرالزور و شهرهای ساحلی در کنترل مخالفان می باشد. از اواخر ماه اوت مخالفان با آغاز حملات گسترده به دمشق، سوت جنگ نهایی برای سرنگونی رژیم اسد را کشیدند. در مقابل رژیم اسد که در ضعیف ترین روزهای خود قرار داشت، تمام امکانات و توان نظامی اش را برای دفاع از دمشق به کار گرفت و موفق شد در وهله اول حملات مخالفان را دفع نموده و آنها را به وادار به عقب نشینی به حومه دمشق نماید. در اقدامی دیگر مخالفان از حدود دو ماه پیش موفق شدند وارد شهر حلب شده و همزمان ۹ منطقه در حومه دمشق را به کنترل خود در بیاورند. رژیم اسد تمام نیرو و امکاناتش را برای باز پس گیری حلب به کار گرفته که تا به امروز موفق نشده است. نیروهای زمینی و ارتش رژیم اسد عملاً در رویارویی با مخالفان و بخشا مقاومت مردم در شهرها و محلات، قدرت مانور خود را از دست داده است. رژیم سوریه سیاست بمبارانهای هوایی گسترده، حمله به مردم غیر نظامی و ایجاد رعب و وحشت را در دستور خود گذاشته است. رژیم اسد فقط با اتکا به نیروی هوایی و توپ و تانک هایش توانسته است در دمشق فعلاً تسلط داشته باشد.

در حلب گسترده ترین جنگها در جریان می باشد. بعد از نزدیک به یک ماه درگیری در این شهر، نیروهای رژیم ناچار به ترك شهر و استقرار در حومه آن شده اند. حلب در محاصر بیش از ۳۲ هزار نیروی نظامی با تمام تجهیزات نظامی رژیم می باشد. بر اثر ادامه بمبارانهای شدید و گلوله باران شهر حلب و حومه آن، بیش از ۶ هزار نفر کشته و هزاران نفر زخمی و دهها هزار نفر آواره شده اند. از جمعیت دومیلیونی حلب بیش از ۳۵۰ هزار

نفر موفق به ترك شهر شده اند. شهر کلاً تبدیل به ویرانه شده است. حلب و نبردهای آن اثر مهمی در تعیین سرنوشت رژیم خواهند داشت. نکته برجسته در نبرد بر سر حلب، دخالت مردم این شهر در سازماندهی مقاومت و مبارزه بر علیه رژیم می باشد. در نگاه اول چنین به نظر میرسد که نیروهای رژیم اسد و "ارتش آزاد سوریه" و مخالفان مسلح، دو طرف يك جنگ جبهه ای می باشند که هر کدام تجهیزات و سنگرهای نظامی خود را در داشته و مشغول يك جنگ کلاسیک نظامی جبهه ای با یکدیگر و برای تسط بر این شهر می باشند. این نظر بخشا درست است اما تعیین کننده نیست. مردم، کمیته های مردمی و گروههای مقاومت در داخل حلب با مبارزه و استقامت خود، موفق گشته اند بطور واقع در برابر پیشروی ارتش اسد نه فقط ایستادگی نمایند، بلکه چند محله این شهر که در دست رژیم بود را، باز پس بگیرند. در حلب يك جنگ مردمی بر علیه رژیم در جریان می باشد. فقط ارتش آزاد سوریه نیست که می جنگد. به گفته منابع مخالفان و بر اساس گزارشات رسانه های جهانی، همه مردم شهر مسلح بوده و می جنگند که این باعث شده نیروی ارتش جرات وارد شدن به شهر را نداشته باشد.

رژیم سوریه با توجه به وضعیت نه پیروزی و نه شکست، سیاست وحشیانه بمبارانهای هوایی روزانه جلب را در دستور خود قرار داده است. هر روز بطور متوسط بین ۴۰ تا ۵۰ مورد حمله و بمبارانهای هوایی گزارش میشود. این سیاست وحشیانه روزانه بطور متوسط باعث مرگ ۱۰۰ نفر و زخمی شدن صدها نفر میشود. بنا بر گزارش سازمان ملل بیشترین تلفات در بیش از ۱۸ ماه اعتراض ادامه صفحه ۱۰

تحولات سوریه، انقلاب ناتمام مردم، جنگ و روندهای آتی!

از صفحه ۹

و مبارزه مردم و جنگ مخالفان نزدیک به ۳۰ هزار نفر کشته شده اند. نزدیک به نصف این تعداد تلفات در نتیجه حملات هوایی و بمبارانهای گسترده رژیم اسد می باشد.

موضوع بحث و گفتگوی مخالفان و گروههای مختلف اپوزیسیون زیر چتر حمایتی کشورهای اروپایی کماکان ادامه دارد. در همین رابطه ظاهراً تلاش های آلمان و با پادرمیانی برخی کشورهای عربی پیرامون وحدت اپوزیسیون "موفق" بوده است. در همین رابطه "شورای هماهنگی انقلاب سوریه" با کمیته های هماهنگی انقلاب سوریه "به همراه ارتش آزاد سوریه" به توافقاتی در برخی استانهای تحت کنترل مخالفان رسیده اند. محور این توافقات ایجاد فرماندهی نظامی مشترک برای تمرکز عملیاتیهای نظامی گسترده برعلیه رژیم اسد می باشد. در کنار این زد و بندها گروههای اپوزیسیون و مخالفان مسلح در بخش هایی از کشور و بویژه در مناطق آزاد شده، مردم و کمیته های انقلاب محلات و تشکل های جوانان، وارد صحنه شده اند.

در شهر حلب دخالت های مردمی بیشتر می باشد. در شهرهای درعا، بانیاس و چندین شهر کردنشین اثر ایستادگی و مقاومت مردم، گروههای مسلح و بخشا "ارتش آزاد" مجبور شده اند به مردم میدان بدهند. بر اساس گزارشات که رسانه های غربی از جمله بی بی سی، یورونیوز و صدای آمریکا مخابره کرده اند، درجه و میزان مشارکت مردم نه فقط در جنگ برعلیه رژیم اسد، بلکه در زمینه تلاش برای اعمال اراده خود در نحوه و چگونگی ادامه مبارزه و سر و سامان دادن به امورات اداره مناطق و شهرهای آزاد شده، برجسته می باشد. کمیته های مردمی دفاع از

محلات در برخی مناطق بتدریج تبدیل به وزنه مهمی در روند جنگ برای سرنگونی رژیم اسد میشوند. نمونه برجسته آن شهر حلب می باشد. به اعتراف برخی از مخالفان و حتی ارتش آزاد سوریه، بدون دخالت مردم در اداره امور این شهر، از تامین مایحتاج روزمره گرفته تا راه اندازی مدارس، سازماندهی گروههای مقاومت در تمامی عرصه های زندگی، کنترل حلب و در دست نگه داشتن آن، غیر ممکن بود. در مورد میزان و درجه دخالت مردم و انقلاب ناتمامشان در رقم زدن روندهای جاری در سوریه و احتمالات آتی، نمی توان بطور قطعی اظهار نظر کرد ولی در هر صورت دریچه دخالت مردم در تعیین سرنوشت انقلاب ناتمامشان، بویژه سرنگونی رژیم اسد و شانس دوباره قد علم کردنش هنوز بازاست. هر چند انقلاب به حاشیه رانده شده و گروههای مسلح میداندار شده اند و بخشا آگاهانه در صدد هستند تا انقلاب مردم را ناتمام متوقف کرده و مختومه اعلام نمایند، اما حضور مردم و خواست انقلابی آنها برای سرنگونی رژیم اسد و پایان دادن به دیکتاتوری و سرکوب، قوی است. اینکه مردم نمی توانند تظاهراتها و اعتصابات میلیونی به راه بیندازند، دلیلی بر این نیست که خواست اصلی انقلاب ناتمام مردم، یعنی سرنگونی رژیم اسد تمام شده است. وضعیت فعلی در سوریه، وحشیگریها و جنایات و سرکوبیهای گسترده رژیم اسد نتوانسته انقلاب مردم را هنوز از پای در بیاورد.

تلاش های گروههای مسلح مخالف رژیم از ارتش آزاد گرفته تا انواع و اقسام دار و دسته های مسلح که وارد جنگ با رژیم شده اند برای دور زدن مردم و حذف آنها از صحنه مبارزه برای سرنگونی رژیم اسد و مختومه اعلام کردن اعتراضات و انقلاب ناتمام مردم،

هنوز موفق نشده است. شهرهای حلب، بانیاس و مناطق کردنشین بخوبی این را نشان می دهند. وضعیت فعلی رژیم اسد، قدرتیبری نیروهای مخالف و مسلح اسد، جنگ و ادامه آن... نتیجه فشار انقلاب و مبارزه مردم در طول ۱۸ ماه گذشته بوده است. بدون این مبارزات، بدون اعتصابات عمومی میلیونی، رژیم اسد در وضعیتی قرار نمی گرفت که هر ساعت امکان سرنگونی اش وجود دارد. یاد مان نرود که حافظ اسد پدر دیکتاتور فعلی بشار اسد، در دهه ۱۹۸۰ بزرگترین مقاومت و شورش مسلحانه مخالفانش را در استان حمص و حماه سرکوب کرد و بیش از ۵۰ هزار نیروی مخالف مسلح را کشت و موضوع مختومه شد. اما رژیم سوریه در یک سال اخیر روز بروز بیشتر به عقب رانده شده و ضعیف تر و منزوی تر شده است.

بدون انقلاب قدرتمند و مردمی ولی هر چند ناتمام مردم سوریه، بدون ادامه آن در اشکال مختلف، احتمال این وجود داشت که رژیم اسد کل ارتش آزاد و همه مخالفان مسلح را سرکوب و نابود نماید و این دور از واقعیت نبود. تنها فاکتوری که اجازه این کار را به رژیم اسد نداد وادامه سرکوب های گسترده را ناممکن کرد، انقلاب مردم بود. هنوز مطالبه اصلی این انقلاب یعنی سرنگونی رژیم اسد به قوت خود باقی است. امری که دیر یا زود اتفاق خواهد افتاد. انقلاب مردم دوباره شانس و امید دیگری برای رقم زدن تحولات و تغییرات دوران بعد از اسد را هنوز دارد.

هرچند گروههای مسلح در فردای سرنگونی انقلاب مردم را مختومه اعلام کرده و بخشا فرمان سرکوب آن را صادر خواهند کرد، ولی در این مورد مشخص هم هنوز همه راه ها باز است. انقلاب و ضد انقلاب و رژیم اسد و رویارویی های آتی ادامه دارد.*

معنای پشت کردن حماس به جمهوری اسلامی

از صفحه ۳

پتانسیل را از خود نشان داده است که زیر فشار مردم مدرن، تا حد زیادی دندان روی جگر بگذارد و سنتها و گرایشات و ایدئولوژیهایش را چندان در سیاست دخالت ندهد. این بطور خلاصه تمام ماجرا است. نکته مهم اینست که بنظر من عمر اسلام میانه چندان طولانی تر از تروریسم اسلامی و اسلام "تندرو و میلانت" نیست. و با شکست قطعی و نهایی اسلام سیاسی، یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و جارو شدن کامل بساط نیروهای امثال طالبان و القاعده، دوره اسلام "میانه" و "مدرن" و (هر پسوند دیگری) هم بسر میرسد. یعنی اینها کاملاً به حاشیه رانده میشوند و در حاشیه جامعه و به دور از سیاستهای اجتماعی، محدود و مهار میشوند. در همین ترکیه با اولین بحران نظام سرمایه داری این کشور، مثل هرجای دیگری حزب حاکم یعنی حزب اسلامی عدالت و توسعه به احتمال زیاد از قدرت کنار زده میشود.

به طور خلاصه دوره کنونی دوره شکست جنبش ارتجاعی و ضد انسانی اسلام سیاسی است. این جنبش هنوز قدرت جنایت و فاجعه آفرینی دارد و هرچه بیشتر مردم از آن دور میشوند و مقابل آن می ایستند، ظرفیت جنایتکاریش بیشتر بروز میکند، اما هرروز و هرروز محدودتر و ضعیف تر و حاشیه ای تر خواهد شد. بورژوازی تلاش میکند "اسلام میانه و مدرن" را بعنوان آلترناتیو اسلام سیاسی در صحنه نگه دارد. اما همانگونه که گفتم این پروژه تغییر زیادی در حرکت جوامع به سوی دوری از مذهب و مذهب سیاسی نخواهد داد.*

مفصل تر به آن بپردازم اینست که "اسلام مدرن و میانه رو" در واقع روی دیگر شکست اسلام سیاسی است. جریانات و نیروهای اسلامی شکست خورده به این سنگر عقب می نشینند تا اسلام که يك ایدئولوژی ارتجاعی بورژوازی است را از نابودی نجات دهند و در این سنگر تا آنجا که توازن قوا به آنها اجازه میدهد به عرصه جامعه دست درازی کنند. اسلام مدرن و میانه رو یعنی اسلامی که دیگر اسلام نیست، جرات کشت و کشتار ندارد، جرات سنگسار و اعدام ندارد، جرات دخالت در سیاست را ندارد و قدرت تحمیل سنتها و قوانینش به جامعه را ندارد. با هر عقب نشینی اسلام سیاسی، این "اسلام" مثلاً مدرن هم دچار عقب نشینی میشود. در ترکیه این اسلام میانه رو و مدرن نیست که به موفقیت هایی دست یافته است. بلکه اقتصاد ترکیه است که مثل برزیل و روسیه و برخی کشورهای دیگر به پیشرفتهایی دست یافته است. اسلام میانه کاری که کرده این بوده که جرات نکرده و امکان نیافته است در اقتصاد و سیاست دخالت کند! و هرجا هم که خواسته دخالت کند نیروهای سکولار جلوش ایستاده اند. و توازن قوا میان جبهه سکولار و مدرن و ارتجاع اسلامی، است که يك وضعیت "میانه" و مدرن ایجاد کرده است. منظورم اینست که موفقیت های دولت اردوغان به دلیل اسلام به اصطلاح مدرن و میانه اش نیست. بلکه به دلیل اینست که يك جریان اسلامی زیر فشار گرایشات مدرن جامعه ترکیه هرس شده است و نهایتاً این

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

فلسفه منسوخ ایان رند و تی پارتی

در حاشیه کمپین انتخابات ریاست جمهوری



ناصر اصغری

اعتراضات خیابانی معروف به "جنبش اشغال" در واقع شکست سیاستهای "تی پارتی" بود. سیاستهای "تی پارتی" همچنین در خیابانهای شهرهای ایالت ویسکانسن هم شکست خورد. دو اعتراض "جنبش اشغال" و اعتراضات صدها هزار نفره در شهرهای ویسکانسن، از مهمترین اعتراضات توده ای خیابانی آمریکای معاصر بوده اند.

در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بخش عمده ای از اعتبار پیشروی و قدرتگیری کانید ریاست جمهوری را به حساب نام و تلاش معاون (running mate) کانیدای مزبور می گذارند. حزب جمهوریخواه آمریکا از میان همه

در دنیای سیاست اگر حاکمی و یا ایدئولوژی ای با اعتراضات عظیم خیابانی روبرو شود، حتی اگر بتواند اعتراضات را سرکوب کرده و مردم را به خانه هم بفرستد، در اذهان عمومی دیگر شکست خورده است. این درباره آنچه که به "تی پارتی" (Tea Party) هم معروف شده است، صدق می کند.

سیاستمداران موجود، پال راین استاندار ویسکانسن را به معاونی میت رامنی برگزید. پال راین از طرفداران پر و پا قرص ایان رند (Ayn Rand) است. پال راین در تمام دوره دانشگاه و جوانی خود، با حرارت از ایده های ایان رند دفاع می کرد. رند سال ۱۹۰۵ در روسیه به دنیا آمد و بعد از انقلاب ۱۹۱۷، همراه با خانواده اش روسیه را ترک و بعد از گذراندن مدتی همراه خانواده اش در مناطق زیر نفوذ ارتش سفید روسیه به آمریکا مهاجرت کرد.

می گویند ایان رند فیلسوف است. "فلسفه" ایان رند این است که "توعدوستی مضر است!" فلسفه او تلاش برای "نفع شخصی" است. فلسفه او "حرص موتور محرکه تاریخ است" می باشد. فلسفه ایان رند را در واقع باید در لابلای داستانهایش جستجو کرد. او دو رمان معروف به نامهای The Fountainhead و Atlas Shrugged دارد. قهرمان رمان اول، طراحی است که

بر علیه فشار اجتماعی و اشتراکی کردن مبارزه می کند. قهرمانان رمان دوم هم ۱ درصدیها هستند که در آمریکا، که از نظر ایان رند سوسیالیستی است، تحت فشاری مضاعف هستند! "فلسفه" ایان رند که در بحبوحه دولت رفاه به اصطلاح گل کرده بود، بر علیه دولت رفاه و هرگونه بیمه های اجتماعی بود. او معتقد بود که دولت باید فقط از ۱ درصدیها باشد. دادگاهها، رؤسای پلیس و بانکها و غیره و غیره، همه باید درست در اختیار ۱ درصدیها باشد. اینکه آیا واقعا چنین بود یا نه، برای بحث امروز ما مسئله ایست کاملا ثانوی. اما ایان رند، قهرمان پال راین، میت رامنی، تی پارتی و حزب جمهوریخواه است.

اخیرا ویدیوئی از میت رامنی در يك مهمانی جمع آوری پول برای کمپین وی به بیرون درز کرده است که بطور مخفیانه ثبت شده بود. در این مهمانی هر يك

از حضار ۵۰ هزار دلار کمک مالی به کمپین میت رامنی می کردند. رامنی در این ویدیو می گوید که ۴۷ درصد آمریکائیها انگل هستند که وبال گردن بقیه نصف جمعیت آمریکا هستند. این چنین بی احساسی نشان دادن به کسانی که جزو ۱ درصد نیستند را خود ایان رند در مصاحبه ای در دهه ۱۹۵۰ رسما بیان کرد که دنیا باید جای قوی ترینها باشد!

می گویند بعد از درز این ویدیو به بیرون، اکنون میت رامنی در نظرسنجیها ۱۰ درصد از باراک اوباما عقب است. از پال راین هم خبری نیست! تی پارتی و ایان رند، و به تبع آن حزب جمهوریخواه آمریکا، در خیابانهای نیویورک و اوکلند، در خیابانهای مدیسن ویسکانسن شکست خوردند. ویدیوی درز پیدا کرده، میخ آخری بود بر تابوت این "فلسفه" منسوخ.*

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲

علی نجاتی از زندان آزاد شد

اطلاعیه شماره ۷۰



بنا بر خبرهای منتشر شده، روز دوشنبه سوم مهر ماه علی نجاتی از اعضای هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه بعد از یکسال زندان، با پایان یافتن یکسال محکومیتش از زندان آزاد شد. آزادی او را به وی و خانواده اش و

کارگران نیشکر هفته تپه و همه انسانهای آزادیخواه تبریک میگویم.

علی نجاتی سال گذشته توسط شعبه دادگاه تجدید نظر اهواز علیرغم اتهاماتی که قبلا در دادگاه بدوی رژیم اسلامی در شوش تبرئه شده بود، به يك سال زندان محکوم گردید و علیرغم بیماری شدید قلبی و تاکید پزشکان مبنی بر خطر نگهداری وی در بازداشت، این مدت را در زندان بسر برد.

اکنون رضا شهابی از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی و محمد جراحی از اعضای کمیته

پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، رسول بدایعی عضو کانون صنفی معلمان و عبدالرضا قنبری معلمی معترضی که خطر اجرای حکم اعدام بر روی سرش قرار دارند در زندانند. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۱ مهر ۹۱، ۲ اکتبر ۲۰۱۲

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bah-ram.Soroush@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

علیه اعدام

مردم!

به اعدام نه بگویید. به اعدام کنندگان نه بگویید. جلوی کشتار دولتی را بگیرید. ارادتی را که در کنار چوبه های دار عربده کشی میکنند طرد کنید! همچون مردم سیرجان چوبه های دار را باید بر سرشان خراب کرد! اعدام قتل عمد دولتی است. اعدام ابزار قدرتمندی حکومت جنایتکاران سرمایه دار علیه خود شماسست. ندیده ایم که هر وقت میخواستند اعتراض و مبارزه کارگران و زنان و جوانان علیه فقر و گرسنگی و بیکاری و زندان را عقب برانند، چوبه های دار را برپا میدارند و اعدامها را

گسترش میدهند؟ میگویند اعدام برای نجات جامعه از قتل و جنایت ضروری است. این يك دروغ بزرگ است. کدام جامعه تاکنون با اعدام و انتقام، از جنایت رها شده است؟ ریشه همه جنایتها خود حاکمیت ناعادلانه يك دسته مفتخور و دزد بر اکثریت جامعه است. ریشه جرم و جنایت و قتل حاکم شدن يك مشت قاتل و دزد بر اکثریت جامعه است. همین ریشه را باید خشکاند. برای خلاصی از جنایت و قتل در قدم اول باید قاتلین و دزدان را از قدرت بزیر کشید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ شهریور ۱۳۹۱

۱۶ سپتامبر ۲۰۱۲

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

ده اکتبر روز جهانی اعتراض به قتل عمد دولتی



فراخوان به شرکت در میتینگ روز ۶ اکتبر در شهر کلن آلمان

بعد از ظهر حضور بهم رسانند. برای اعتراض علیه اعدامهای گسترده در ایران و بر علیه حکومت جنایتکار اسلامی ده اکتبر را فرصت مناسبی دانسته و متحدانه در این حرکت اعتراضی شرکت کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۹ سپتامبر ۲۰۱۲

minnaahadi@gmail.com

هستید. بویژه از ایرانیان مخالف حکومت اسلامی دعوت میشود که در میتینگهایی که در سراسر جهان در اعتراض به اعدامها در جریان است فعالانه شرکت کنند، چرا که ایران در صدر جدول اعدامها قرار دارد و روزانه تعداد زیادی به اعدام محکوم میکنند و به قتل میرساند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند که در روز شنبه ۶ اکتبر در کلن مقابل کلیسای دم از ساعت شش و ربع

اعدام لکه ننگی بر دامن بشریت در قرن بیست و یک است! اعدام یعنی کشتن انسانها و سازمان دادن قتل خونسردانه توسط حاکمین که هدفش نه دفاع از امنیت و نه مقابله با جرم و جنایت در جامعه، بلکه انجام جنایت بر علیه مردم و ایجاد وحشت در بین مردم است.

به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام، به خیابان بیابید و اعلام کنید که خواهان ممنوعیت اعدام در همه جا

تجمع خانواده های محکومین به اعدام در مقابل محل سکونت خامنه ای "بیت رهبری"

به خانواده ها گفته اند، چهارشنبه هفته آینده برای گرفتن نتیجه اعتراض خود به بیت رهبری بروند. چهارشنبه هفته آینده روز جهانی علیه اعدام است!

حکومت اسلامی و نجات همه محکومین به اعدام کاری نکنیم. ده اکتبر روز اعتراض به اعدامها در سراسر جهان است. این روز را به روز اعتراضی مهم علیه اعدامها در ایران تبدیل کنید. در همه جا علیه اعدامها در ایران میتینگ و حرکت اعتراضی سازمان دهید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۴ اکتبر ۲۰۱۲

Mina Ahadi
International Committee
against Execution
International Committee
against Stoning
minnaahadi@gmail.com
Tel: 0049 (0) 1775692413

http://
notoneexecution.org
http://stopstoningnow.com/
wpress/

جنایتکارانه این حکومت برای ترساندن مردم و پس زدن اعتراضات است. باید درست در همین روزها علیه اعدام به خیابان آمد و متحدانه و دسته جمعی به اعدامها اعتراض کرد. نگذارید عزیزان شما را قربانی کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه ایرانیان مقیم خارج دعوت میکند که در روز ده اکتبر و در برنامه های به مناسبت ده اکتبر وسیعا شرکت کرده و کمک کنند جان تعداد بیشتری از محکومین به اعدام را نجات دهیم. این وظیفه ماست که برای نجات جان جوانان دربند، نجات فعالین سیاسی و معترضین به

همچنین در مقابل خانه رهبر جنایتکاران اسلامی خامنه ای تجمع کرده و خواهان لغو احکام اعدام عزیزان خود شوند.

اکنون که مردم ایران از فقر و نداری و گرانی به ستوه آمده و اعتراضات توده ای در ایران در حال شکل گرفتن است، اعتراض علیه اعدام عزیزان ما و اعمال فشار به حکومت اسلامی برای نجات جان این عزیزان امری حیاتی است. حکومت اسلامی ایران برای ترساندن مردم ممکنست این روزها به اعدامهای گسترده تر دست بزند. اعدام هزاران نفر جوان محکوم به اعدام در ایران یکی از برنامه های

خامنه ای جنایتکار خواهند رساند. جالب اینست که به این خانواده ها گفته اند هفته آینده چهارشنبه برای گرفتن نتیجه بیابید و هفته آینده چهارشنبه ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام است. کمیته بین المللی علیه اعدام از همه خانواده های محکومین به اعدام چه آنها که به اتهام مواد مخدر و یا دلایل دیگر دستگیر و به اعدام محکوم شده اند و چه خانواده فعالین سیاسی محکوم به اعدام دعوت میکند این فرصت را غنیمت شمرده و دسته جمعی در روز چهارشنبه ۱۰ اکتبر در مقابل مراکز دولتی، دادگستریها و زندانها در همه شهرهای ایران و

این يك حرکت اعتراضی مهم است و نوک حکومتی را نشانه گرفته است که با اعدام و جنایت سرپا مانده است و در صدد است تعداد هر چه بیشتری را قربانی کند.

یک هفته مانده به ۱۰ اکتبر روز جهانی علیه اعدام، خانواده های بیست محکوم به اعدام که فرزندان و عزیزان آنها متهمین مواد مخدر هستند و حکومت اسلامی آنها را به اعدام محکوم کرده، در مقابل خانه خامنه ای "بیت رهبری" تجمع کرده و خواهان لغو احکام اعدام شدند. از این جمع عکس و فیلم گرفته شده و اعلام کرده اند که درخواست این خانواده ها را از این طریق به گوش

زنده باد سوسیالیسم!

مردم تهران علیه فقر و جمهوری اسلامی بپاخاستند

امروز چهارشنبه ۱۲ مهرماه هزاران نفر از مردم تهران دست به تظاهرات زدند و علیه فقر و جمهوری اسلامی شعار دادند. در مشهد و تبریز و اسلام شهر نیز تجمعات اعتراضی علیه اوضاع فلاکتبار کنونی شکل گرفته است. در تهران تظاهرات از بازار شروع شد اما بلافاصله هزاران نفر از مردم خشمگینی که زیر فشار فقر و گرانی جان به لبشان رسیده است، به تظاهرات پیوستند و علیه گرانی و فقر و علیه جمهوری اسلامی و سران جنایتکارش شعار دادند. طبق گزارشی که به حزب رسیده است تظاهرات از بازار به

سرعت به مناطق ناصر خسرو، جمهوری، مترو سعدی، فردوسی، میدان امام خمینی و توپخانه گسترش یافت. بتدریج تعداد مردم بیشتر شد و در ساعات پایانی آن جمعیت به بیش از پانزده هزار نفر رسید. طبق این گزارش مردم بسیار شجاعانه و بی باکانه شعار میدادند: مرگ بر گرانی، مرگ بر گرانفروشی، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور، سوریه را رها کن فکری به حال ما کن، انرژی هسته ای نمیخواهیم، نمیخواهیم، مرگ بر سرمایه دار، مرگ بر خامنه ای. خطاب به احمدی نژاد نیز شعار میدادند: احمدی به هوش باش، ما مردمیم

نه اوباش. مردم همچنین علیه بانک ملی و صادرات شعار میدادند. تعداد زیادی از یگانهای ضد شورش و لباس شخصی های سپاه و وزارت اطلاعات در اطراف تظاهرات مستقر شده بودند و تلاش میکردند با گاز اشک آور و تیراندازی هوایی مردم را متفرق کنند اما مردم با آتش زدن سطل آشغال ها دست به مقابله زدند و به تظاهرات خود ادامه دادند. مردم به طرف نیروهای سرکوب سنگ پرتاب میکردند و خیرنگار ما میگویند که چندین ماشینی نیروهای انتظامی را دیده است که شیشه هایش شکسته بوده است.

موقعی که نیروهای سرکوب بطرف تظاهرات کنندگان حرکت کردند مردم شعار میدادند نترسید نترسید ما همه با هم هستیم. در جریان تظاهرات امروز تعداد قابل توجهی از مردم دستگیر شدند و بسیاری از موبایل های مردم نیز توسط اوباش رژیم ضبط شد. تظاهرات امروز تهران شروع فوران خشم مردمی است که از فقر و گرانی کارد به استخوانشان رسیده است. جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه توان آنرا دارد که مشکلات عظیم اقتصادی مردم را تخفیف دهد. استیصال حاکم بر حکومت، باندهای مختلف آنرا نیز

به جان هم انداخته و هرکدام علت مشکلات را به گردن دیگری می اندازد و علیه دیگری افشاگری میکند. حزب کمونیست کارگری مردم تهران و سراسر کشور را به تداوم و گسترش اعتراض علیه فقر، گرانی، بیکاری، فساد و تبعیض و بیحقوقی و علیه جمهوری اسلامی که مسبب این وضعیت است فرامیخواند. آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۲ مهر ۱۳۹۱، ۳ اکتبر ۲۰۱۲

اولین جرقه های یک انفجار!

از صفحه ۱

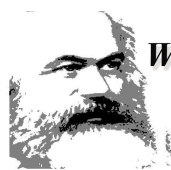
دستمزدها و کلا حقوق کارکنان جامعه که چندین برابر زیر خط فقر است، و کلا مسائل معیشتی و رفاهی، در مقیاس وسیعی در جامعه وجود داشته و تمام اینها یک واقعیت جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بوده است. تحریمهای اقتصادی باعث و بانی این وضعیت نیست بلکه تنها این شرایط را تشدید کرده است. میخواهم بگویم تظاهرات امروز اعتراضی است به کل نظم موجود در ایران، علیه جمهوری اسلامی و علیه نظام سرمایه داری که ناگزیر است فقر و گرانی و بیکاری را بمردم تحمیل کند تا مگر چرخ اقتصادش بگردد. بنابراین اعتراضاتی که امروز شاهد بروز هستیم اعتراضی

است به کل این سیستم. اعتراض به نظامی است که در آن آسایش و رفاه و یک زندگی مطابق با استانداردهای مدرن امروز برای اکثریت قاطع مردم ممکن نیست و باید هر روزه با فقر و فلاکت و بی تامينی اقتصادی دست و پنجه نرم کنند. تظاهرات امروز اولین نشانه ها و اولین جرقه های آن انفجاری است که پیش بینی میکردیم در ایران رخ خواهد داد. شهلا دانشفر: شما چه صحبتی با مردم دارید؟ فراخوانتان چی هست؟ چه راهکارهایی را در برابر مردم قرار میدید؟ حمید تقوایی: مردم باید در سطح وسیعی و نه فقط در تهران بلکه در شهرهای دیگر نیز به این حرکت بپیوندند. امروز هم گزارشی از تظاهرات در شهرهای

دیگر داشتیم. این حرکت اعتراضی بهیچوجه نباید خاموش شود، نباید اجازه داد حکومت باز با ارباب و با دستگیری و بگیر و ببند و با اراذل و اوباش خواندن مردم و بازداشت فعالین و غیره این حرکت را به عقب براند و یا متوقف کند. خیلی روشن است که قدرت مردم در اتحاد آنها و در این هست که در سطح وسیعتری، در مقیاس چندین ده هزار نفره و صدها هزار نفره و میلیونی بخوابانها بیایند و اعتراض کنند. شرایط کاملا برای شکل گرفتن اعتراضات توده ای مهیا است، مردم دیگر قادر به تحمل این وضعیت نیستند و صفوف حکومت هم کاملا بهم ریخته است. مردم نباید اجازه بدهند که از بالای سر آنها و در مناسبات بین دولتها و غرب و جمهوری اسلامی و مساله انرژی هسته ای و تحریمها و تهدیدات جنگی و این نوع کشاکشها سرنوشت مردم

تعیین بشود و جامعه قربانی بشود. مردم باید خودشان کنترل اوضاع را بدست بگیرند و این کاملا امکان پذیر است. تظاهرات و اعتراضات امروز میتواند آغاز امید بخشی باشد برای اینکه یک انقلاب توده ای علیه کل این نظام، علیه کل جمهوری اسلامی و نظامی که این شرایط مشقت بار را به توده مردم تحمیل کرده است شکل بگیرد. شرایط امروز و تفاوتهای اساسی با سال هشتاد و هشت دارد. حتی دیگر بهانه این اعتراضات هم موضوع انتخابات و دعوای درون رژیم نیست. گرچه جناحهای حکومت حتما سعی خواهند کرد علیه یکدیگر از این وضعیت استفاده کنند ولی مردم امر و مساله مستقل خود را دارند. مساله مردم در واقع نفس

زندگی و بقا و خواستشان بر خورداری از یک زندگی در شان انسان امروز هست. جامعه به این خاطر دارد اعتراض میکنند. کارگران، توده های زحمتکش مردم و کلا آن نود و نه درصد جامعه که از این وضعیت به فغان آمده است میتوانند و باید متحد و متشکل بشوند، در محلات و در مراکز تولیدی و کارخانه ها و محل کار، و در خیابانها گرد هم جمع شوند و صدای اعتراضشان را علیه جمهوری اسلامی بلند کنند. امیدوارم و کاملا این امکان وجود دارد که حرکتهای اعتراضی امروز به یک جنبش وسیع توده ای علیه کل این وضعیت و علیه کل نظام سرمایه داری جمهور اسلامی تبدیل بشود و به پیروزی برسد.*



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Workers-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

پاسخ توم کونیگز رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان به نامه سرگشاده مینا احدی



نهادی مثل سازمان ملل نمیتواند، تقلا و کوشش جهانی همه مردم و همه دولت‌ها را برای صلح و عدالت و حقوق بشر نمایندگی کند.

با درودهای گرم و صمیمانه
توم کونیگز

لینک نامه سرگشاده مینا احدی
به توم کونیگز به زبان فارسی

<http://www.rowzane.com/index.php/annonce-archiev/82-reports/11026-1391-06-23-11-52-34>



یافت و یا کشیش ایرانی یوسف نذرخانی که از زندان آزاد شد. بویژه برای زندانیان این همبستگی بین المللی و متمرکز مهم است. این ابراز همبستگی کمک میکند که آنها شرایط سخت زندان را بهتر تحمل کنند. و بالاخره فعالین مدافع حقوق بشر در ایران بخاطر این نوع فعالیتها و از کانال انتقاداتی که هم توسط دولتها و هم مدافعین حقوق بشر مطرح میشود همبستگی و دفاع ما از خودشان را میتوانند ببینند.

برای تاثیر گذاری این نهادها این تجمعات، فراخوانها و فعالیتهای بین المللی و همچنین انتقادات از نقض حقوق بشر در ایران، احتیاج به دیالوگ و کانال ارتباطی با رژیم ایران هست. سیاست دفاع از حقوق بشر یعنی در کنار قربانیان بودن و از مردم ضعیف و تحت ستم دفاع کردن. برقراری دیالوگ و گفتگو با رژیم ایران همواره ارزشمند است حتی اگر این فعالیتها و گفتگوها جان تک فردی را نجات دهد و یا جلوی نقض حقوق انسانی تعدادی را

روز ۱۵ سپتامبر مینا احدی نامه سرگشاده ای به توم کونیگز رئیس کمیسیون حقوق بشر پارلمان آلمان ارسال کرد. او در این نامه با اشاره به مقاله مندرج در روزنامه فرانکفورتر روندشاو به تاریخ ۸ سپتامبر بقلم توم کونیگز که در آن گفته بود دیدار آقای کونیگز کاش چهار دقیقه بعد از ساعت شش صبح روز ۱۱ سپتامبر در ایران بودید تا صحنه اعدام یک جوان در ملا عام را میدید، حتما شما هم مثل ما معتقد میشدید که همکاری با این حکومت فاشیست اسلامی فقط به ادامه حیات این حکومت کمک میکند. و سپس از توم کونیگز و دولت آلمان درخواست کرده بود که روابط دیپلماتیک با حکومت اسلامی را قطع کرده و سفارت رژیم اسلامی در آلمان را ببندند.

روز گذشته ۲۸ سپتامبر از دفتر توم کونیگز پاسخ نامه مینا احدی ارسال شد و ما در اینجا ترجمه نامه را در دسترس عموم قرار میدهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۹ سپتامبر ۲۰۱۲

برلین ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲
توم کونیگز
عضو پارلمان آلمان و مسئول کمیسیون حقوق بشر و کمکهای انسانی
به خانم مینا احدی
نامه سرگشاده شما در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۲
خانم مینا احدی گرامی

توجه توجه

تلویزیون کانال جدید پروری شبکه KURD CHANNEL بخش میسرود

کانال جدید هر شب از ساعت ۹:۳۰ شب به وقت ایران به مدت ۲ ساعت بخش میسرود

مشخصات ماهواره:

هات برده ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۴۷۰ عمودی

اف ای سی ۵/۶

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

لطفا کیفیت دریافت برنامه را با ایمیل آدرس زیر به اطلاع ما برسانید

nctv.tamas@gmail.com

اساس سوسیالیسم انسان است!

جمهوری اسلامی باید از نمایشگاه کتاب فرانکفورت اخراج شود!

از اواسط اکتبر نمایشگاه جهانی کتاب در شهر فرانکفورت آلمان آغاز به کار خواهد کرد. جمهوری اسلامی از مدت‌ها پیش تدارک شرکت در این نمایشگاه را می‌بیند. اما رژیم‌می که صد هزار نفر مخالف را اعدام و صدها هزار را زندانی و شکنجه کرده است و کوچکترین ابراز مخالفت سیاسی و فرهنگی با خود را با زندان و اعدام جواب می‌دهد، رژیم‌می که آزادی بیان و نشر افکار و عقاید را رسماً ممنوع اعلام کرده و برای سلمان رشدی و شاهین نجفی و بسیاری از مخالفین خود فتوای قتل صادر می‌کند و رژیم‌می که تدریس خرافه در مدارس و دانشگاه‌ها را اجباری کرده و مانع آموزش علمی به دانش آموزان و دانشجویان می‌شود، نباید اجازه حضور در این مکان را داشته باشد.

هیچ توجیهی از قبیل "آزادی بیان و نشر" برای حضور رژیم‌می که کتاب می‌سوزاند و کتاب نویس و کتاب خوان را شکنجه و اعدام می‌کند، در نمایشگاه کتاب قابل قبول نیست. مامشات دست اندرکاران نمایشگاه با نمایندگان وزارت ارشاد جمهوری اسلامی، زد و بند و فراهم

آوردن امکانات حضور رژیم جانپان در این نمایشگاه، یک دهن کچی آشکار علیه مردم ایران و مبارزه آنها برای رهایی از شر جمهوری اسلامی است. غرفه های تدارک دیده برای جمهوری اسلامی و سانسورچی های وزارت ارشاد و پاسدار و بسیجی های نویسنده باید تعطیل شوند و جمهوری اسلامی باید از نمایشگاه جهانی کتاب اخراج شود.

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری در برابر حضور نمایندگان جمهوری اسلامی در نمایشگاه کتاب قاطعانه ایستادگی می‌کند و همه مخالفان جمهوری اسلامی را فرامیخواند که متحد و یکپارچه در مقابل حضور جمهوری اسلامی در این نمایشگاه اعتراض کنند. مکان و زمان برنامه های اعتراضی متعاقباً به اطلاع عموم خواهد رسید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان
۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲

سوئد: پخش اذان از مساجد ممنوع!

اسلامی با اعتراضات وسیع مردم، نهادها و جریانات سکولار پاسخ خواهد گرفت. نیروهای پیشرو و سکولار همانگونه که پروژه های آموزش امام و حلال تی وی و پخش دعای صبحگاهی از رادیو سراسری سوئد را به تعطیلی کشاندند، در مقابل این دست درازی مذهب نیز خواهند ایستاد. باید از همین ابتدا که زمزمه این مسئله بلند شده و با قدرت، جلوی آنرا گرفت و آن را در نطفه متوقف کرد. حزب کمونیست

کارگری قاطعانه در مقابل تلاش اسلامی ها خواهد ایستاد و ایرانیان مقیم سوئد و مردمی که از کشورهای اسلام زده آمده اند و با پوست و گوشت خود جنبش سیاه و ضد انسانی اسلامی را تجربه کرده اند را فرامیخواند که با حساسیت به این مساله برخورد کنند و حساسیت جامعه را به این موضوع جلب کنند. دست اسلامی ها از جامعه کوتاه!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- سوئد- استکهلم
۲ اکتبر ۲۰۱۲

همه جانبه سازمانهای مدافع حقوق زنان و کودکان ملغی شد و این نیز شکست دیگری برای جریانات اسلامی بود. جریانات اسلامی از در دیگری وارد شده اند تا موقعیت تحلیل رفته خود در سوئد را دوباره تقویت کند.

مردم بخوبی میدانند که در پشت دیوارهای مساجد، قوانین آشکار زن ستیزی و وابستگی آشکار و نهان به دولتها و جریانات تروریستی اسلامی نهفته است. جریانات اسلامی هدفشان این است که دست و بال خود را بازتر کنند و زندگی را مخصوصاً برای کودکان و زنان به تباهی بکشاند. مذهب امر خصوصی افراد است، هر کسی حق دارد به هر مذهب و عقیده ای که می خواهد اعتقاد داشته باشد. اما جامعه سکولار سوئد اجازه نمیدهد هیچ مذهبی اصول و مرام و اعتقادات خود را به جامعه تحمیل نماید. اجازه نمیدهد که جریانات اسلامی صدای گوشخراش اذان را به محله و خیابان بکشاند و وسط روز و نیمه شب مزاحمت ایجاد کنند. هر گونه سازش با جریانات

سوئد به اخبار منتشره، مسجدی در محله فیتیا واقع در کمون بوت شیرکا در جنوب استکهلم از اداره کمون این منطقه درخواست مجوز پخش اذان در روزهای جمعه را کرده است. این درخواست از سوی کمون در حال بررسی است. اگر این درخواست مورد موافقت قرار گیرد نه فقط پخش اذان از مسجد فیتیا امکانپذیر می شود بلکه این امر صدور مجوز پخش اذان برای همه مساجد سوئد را تسهیل خواهد کرد.

پخش اذان از مساجد کشاندن مذهب به محله و خیابان و محل آرامش و احساس امنیت مردم است و باید ممنوع باشد. برای جریانات اسلامی پخش اذان از مساجد فقط اجرای ساده یک رسم اسلامی نیست. جریانات اسلامی بدنبال پخش فیلم مستند تلویزیونی سوئد که در آن مواضع زن ستیزانه و ضد انسانی امامان مساجد و جریانات اسلامی مورد افشاگری قرار گرفت، ضربه سختی خوردند. علاوه اینکه توافق اسلامی ها با کمون نورشوپینگ مبنی بر محدود کردن حقوق دختران در فعالیتهای اجتماعی با اعتراض

تاکید گذاشت. نسان نودینیان نیز ضمن اشاره به جایگاه سمینارهای دوره ای و فصلی در شمال، جنوب و غرب آلمان به منظور هماهنگی و تقویت فعالیتهای سیاسی و تشکیلاتی حزب، بر تداوم آنها تاکید نمود. در سمینار فرانکفورت همچنین شهناز مرتب در ارتباط با مسائل پناهندگی، فعالیت های جاری و برنامه های هفته های آینده در این زمینه گزارش مفصلی ارائه داد.

در سمینار کلن نیز اصغر کریمی درمورد سیاست سازماندهی حزب و جایگاه حزب و عرصه های مشخص فعالیت در آلمان به تفصیل صحبت کرد. مینا احدی نیز جنبه های مختلف فعالیت علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی و فعالیت مستمر و

پیوند محکم با جنبش ۹۹ درصدی ها از جمله محورهای بود که با توجه به نقش و پیشروی تکنونی حزب در این عرصه ها مورد تاکید قرار گرفت و از این دو کمیته و مسئولین کمیته ها خواست که نقشه های فعالیت خود را بطور کتبی و علنی اعلام کنند و مردم را در فعالیت های خود دخیل کنند. محمد شکوهی در ارتباط با فعالیت حزب در آلمان و موانع تا کنونی صحبت کرد و بر جایگاه سمینارها و شرکت اعضا، کادرها و دوستداران حزب در کنفرانسهای محلی و سراسری

گزارشی از دو سمینار حزبی در شهرهای کلن و فرانکفورت آلمان

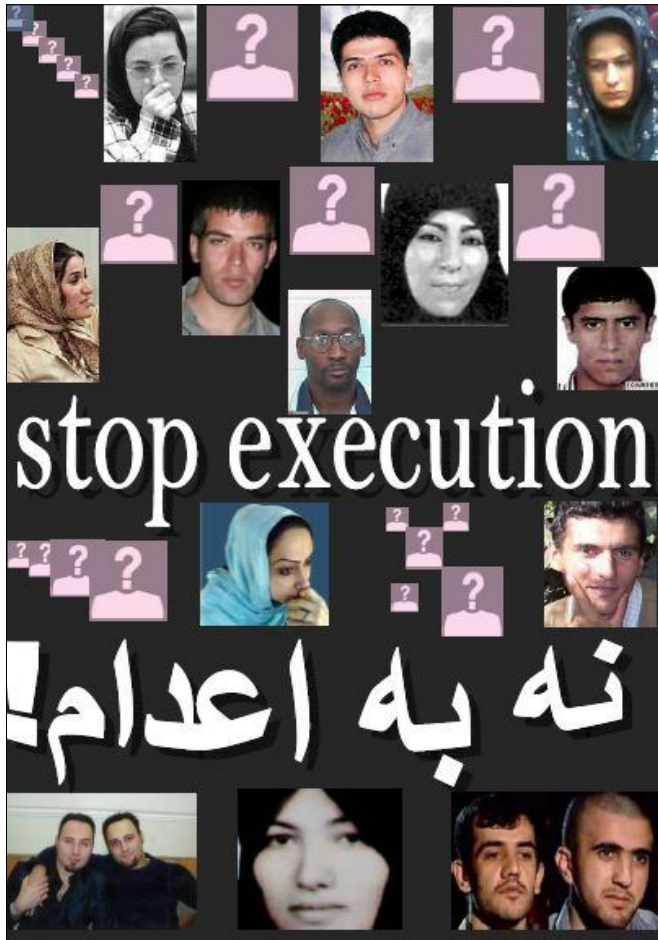
روزیهای ۲۹ و ۳۰ سپتامبر دو سمینار حزبی با حضور کادرها و اعضای حزب کمونیست کارگری در فرانکفورت و کلن در آلمان و با حضور اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب و محمد شکوهی دبیر کمیته آلمان حزب برگزار شد و درمورد نقش و جایگاه حزب در آلمان و فعالیتهای آتی تشکیلات آلمان حزب، موانع و راهکارهای گسترش کمی و کیفی فعالیت حزب بحث و تبادل نظر شد.

در این سمینارها ابتدا نوید محمدی و مسعود کریمی مسئولین واحدهای فرانکفورت و کلن گزارشی از وضعیت تشکیلات در این دو منطقه ارائه دادند. سپس اصغر کریمی در مورد سیاست سازماندهی حزب بر اساس نوشته حمید تقوایی تحت عنوان کمونیسم کارگری و سازماندهی و سازمانیابی حزبی و انطباق این سیاستها با فعالیت حزب در آلمان و ضرورت چفت شدن حزب و فعالیتهایش با مسائل مهم سیاسی و اجتماعی در این کشور صحبت کرد. اعتراضات پناهندگان، فعالیت علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی و

روزهای ۲۹ و ۳۰ سپتامبر دو سمینار حزبی با حضور کادرها و اعضای حزب کمونیست کارگری در فرانکفورت و کلن در آلمان و با حضور اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب و محمد شکوهی دبیر کمیته آلمان حزب برگزار شد و درمورد نقش و جایگاه حزب در آلمان و فعالیتهای آتی تشکیلات آلمان حزب، موانع و راهکارهای گسترش کمی و کیفی فعالیت حزب بحث و تبادل نظر شد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان
۲ اکتبر ۲۰۱۲

برنامه های مینا احدی در استکهلم و یوتبوری به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام



"مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هر دو از یکجا مایه میگیرد، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقطه قبلی کسی توسط کس دیگر." *متصور حکمت*

گوتنبرگ: یکشنبه ۱۴ اکتبر

ساعت ۱۴ تا ۱۸

مکان: سالن اجتماعات

طبقه سوم جنب سینما هاگا

با اسپورهای ۱ و ۶ ایستگاه

Prinsgatan

تلفن برای اطلاعات بیشتر:

عبدالله اسدی 0737178819

استکهلم: شنبه ۱۳ اکتبر

ساعت ۱۸ تا ۲۱

مکان: سالن اجتماعات شیستا

Kista Träff

تلفن برای اطلاعات بیشتر:

هوشیار سروش 0707120528

سخنرانی مینا احدی در استکهلم و یوتبوری به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام



بهمراه نمایش فیلم و عکس از یک دنیا فعالیت بین المللی علیه اعدامها در ایران، مروری زنده و جالب بر جنبشی گسترده علیه اعدام در ایران و شخصی که این مبارزات به جامعه و افکار عمومی زده است.

مکان: سالن اجتماعات
viktoriahuset
با اسپورهای ۱ و ۶ ایستگاه
prinsgatan
تلفن برای اطلاعات بیشتر:
عبدالله اسدی
۰۷۳۷۱۷۸۸۱۹

Kista träff

تلفن برای اطلاعات بیشتر:

هوشیار سروش

۰۷۰۷۱۲۰۵۲۸

گوتنبرگ: یکشنبه ۱۴ اکتبر -

۱۲ ساعت ۱۴ تا ۱۸

شخصی که این مبارزات به جامعه و افکار عمومی زده است.

دستاورد های مبارزه علیه اعدام در ایران، نگاهی به فعالیتهای احزاب و سازمانهای مختلف و تاکیدی بر اهمیت مبارزه با اعدام در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی.

از علاقمندان دعوت می کنیم در این نشست مهم حضور بهم رسانند.

استکهلم: شنبه ۱۳ اکتبر -

ساعت ۱۸ تا ۲۱

مکان: سالن اجتماعات شیستا

دست اول از زبان مینا احدی در مورد کمپین نجات کبرا رحمانپور، شهلا جاهد، نازنین فاتحی، دلارا دارابی، فاطمه حقیقت پژوه، افسانه نوروزی، عبدالله و محمد فتحی، ماکوان مولودی، فرزاد کمانگر، احسان فتاحیان، حبیب گلپری پور، زانیار و لقمان مرادی و ... کمپین نجات تروی دیویس از آمریکا.

به همراه نمایش فیلم و عکس از یک دنیا فعالیت بین المللی علیه اعدامها در ایران، مروری زنده و جالب بر جنبشی گسترده علیه اعدام در ایران و

در جنبش اعتراضی علیه اعدام در ایران، مینا احدی یکی از مهمترین و سرشناس ترین چهره هاست. امسال به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام، مینا احدی مهمان کشور سوئد است و در دو شهر استکهلم و گوتنبرگ سخنرانی خواهد کرد.

سی و سه سال مبارزه علیه اعدام نگاهی به کمپین های مهم علیه اعدام در ایران از زبان فردی که شبانه روز با این محکومین به اعدام در تماس بوده و با برخی از آنها تا آخرین لحظات همراه بوده است. نگاهی به کمپین های مهم علیه اعدام با خاطراتی

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!